

*Bi-quarterly scientific journal of Religion & Communication, Vol.26, No.2, (Serial 56),
Autumn & Winter 2019*

Inter-sectoral cooperation model (Study: Mosque-School-Family Cooperation)

Alireza Sharif Fard *

Received: 2018/06/25

Meysam Latifi **

Accepted: 2019/05/05

Mohsen Zolfaghari**

Abstract

Necessity and main goal: The conformity of the educational elements of the Islamic society is necessary for the realization of the educational goals of Islam. The interaction of the school (as the main institution of formal education in the country), the family (as the most natural and stable institution) and the mosque (as the most original educational institution in the Islamic society) cause synergy and facilitate the realization of Islamic educational goals. On the other hand, these three pillars of education (family school mosque) are the basic components of traditional communication and the realization of cooperation between these elements will have a significant impact on strengthening the social communication network and deepening national and religious beliefs.

Research method: The present study is of qualitative type and it uses the data theorizing strategy of the foundation. Research data have been extracted from the results of a survey of the top 14 mosques in the country in the field of interaction with family and school.

Results: Cooperation between the mosque and the school and the family is a central phenomenon that is conditioned by the capacities and weaknesses of educational institutions. This phenomenon has four stages: "1- Construction, 2 building trust, 2- Attracting from school to mosque, 3- Continuing communication and training in the mosque, 4- Creating students' role in the mosque and school." It is the components that affect it in the form of intervening factors and will lead to results. The pattern of the relationships of the research categories is shown in a paradigm model.

Keywords: inter-sectoral cooperation, mosque, school, family, education, third part

* PhD student in Human Resource Management, Allameh Tabatabai University
alirezapahlavansharif@gmail.com

** Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadegh University
Latifi@isu.ac.ir

*** M.A. Student of Islamic Education and Management Imam Sadegh University
mohsen.z1374@gmail.com

الگوی همکاری بین بخشی (مورد مطالعه: همکاری مسجد با مدرسه و خانواده)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

علیرضا شریف فرد*

دکتر میثم لطیفی**

محسن ذوالفقاری***

چکیده

ضرورت و هدف اصلی: لازمه تحقق اهداف تربیتی اسلام، همگرایی ارکان تربیتی جامعه اسلامی است. تعامل مدرسه (به عنوان اصلی ترین نهاد تربیت رسمی در کشور)، خانواده (به عنوان طبیعی ترین و پایدارترین نهاد) و مسجد (به عنوان اصیل ترین نهاد تربیتی در جامعه اسلامی) موجب هم افزایی و تسهیل تحقق اهداف تربیتی اسلام می گردد. از سوی دیگر این سه رکن تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده) از مؤلفه های اساسی ارتباط سنتی می باشند و تحقق همکاری این ارکان، تأثیری قابل توجه بر تقویت شبکه ارتباطات اجتماعی و تعمیق باورهای ملی و دینی خواهد داشت.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و در آن از راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد استفاده شده است. داده های پژوهش از نتایج موردکاوی چهارده مسجد برتر در کشور در حوزه تعامل با خانواده و مدرسه استخراج شده است.

یافته ها: همکاری مسجد با مدرسه و خانواده پدیده ای محوری است که شرایط علی آن را ظرفیت ها و ضعف های نهادهای تربیتی تشکیل می دهند و برای تحقق آن باید به زمینه های آن که بایسته های برنامه ای، ساختاری و سرمایه انسانی است، توجه شود. این پدیده دارای مراحل چهارگانه: «۱- زمینه سازی و اعتمادسازی، ۲- جذب از مدرسه به مسجد، ۳- تداوم ارتباط و تربیت در مسجد، ۴- نقش آفرینی دانش آموزان در مسجد و مدرسه» است که مؤلفه هایی در قالب عوامل مداخله گر بر آن اثرگذار می باشند و نتایجی را به دنبال خواهند داشت. الگوی حاصل از روابط مقوله های تحقیق در مدلی پارادایمی نمایش داده شده است.

واژگان کلیدی: همکاری بین بخشی، مسجد، مدرسه، خانواده، تربیت، بخش سوم.

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش مدیریت منابع انسانی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

alirezapahlavansharif@gmail.com

Latifi@isu.ac.ir

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) mohsen.z1374@gmail.com

مقدمه

امروزه همکاری بین بخشی به عنوان راهبردی برای بسیاری از چالش های اجتماعی محسوب می شود. برای رفع مشکلات اجتماعی لازم است بخش های مختلف یک نظام مردم سالار همچون بنگاه های اقتصادی، سازمان های غیردولتی و انسان دوستانه، رسانه، جامعه و دولت با هم همکاری داشته باشند که این همکاری رفع کننده مشکلات اجتماعی پیچیده است (Bryson, et.al, 2006, p.44). بخش دولتی دارای منابع پایان پذیر و دامنه کارشناسی محدودی است که از قوت و توان کافی برای پاسخ گویی به چالش ها و مشکلات موجود در جامعه برخوردار نیست. علاوه بر آن، اداره کشور و تحقق حاکمیت در جامعه منوط به حضور و بروز مردم و نهادهای مردمی است.

موضوع تعلیم و تربیت از موضوعات اساسی نظام اسلامی است. در این حوزه، مهم ترین مصداق همکاری بین بخشی، ارتباط مدرسه (به عنوان مهم ترین نهاد تربیت رسمی)، مسجد و خانواده است. این سه نهاد را می توان به مثابه سه ضلع مثلث تربیتی قلمداد کرد. با توجه به وحدت تربیت رسمی و تربیت غیررسمی در هدف و نیز لزوم هماهنگی آنها باید این دو نوع تربیت، دو بخش مکمل و هم سو تلقی شوند که ضمن تعامل سازنده با هم، یکدیگر را در تحقق غایت و اهداف مشترک یاری کنند. همکاری و هم افزایی اضلاع تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده) مهم ترین راه کار در راستای ارتقای تعامل مسجد، کودک و نوجوان است (رازینی و همکاران، در حال انتشار) و این موضوع مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز می باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹).

در صورتی که این همکاری برقرار نباشد جامعه، متولیان و مخاطبان تربیت با چند مشکل مواجه می شوند: اولاً برخی ابعاد تربیتی ذاتاً در محیطی غیررسمی امکان تحقق دارند و اگر نظام تربیتی کشور منحصر در تربیت رسمی باشد، بدیهی است تحقق اهداف تربیت اسلامی امکان پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر هر یک از این نهادها،

ظرفیت‌هایی جهت پرکردن خلأهای نهاد دیگر دارند که عدم ارتباط منسجم، امکان استفاده از این ظرفیت‌ها را میسر نمی‌کند.

با وجود اهمیت بالای همکاری اضلاع تربیتی «مسجد، مدرسه و خانواده» و تصریح اسناد بالادستی بر همکاری نهادهای تربیتی، تعامل سه نهاد مسجد، مدرسه و خانواده در سطح پایینی است. هرچند ارتباط مدرسه و خانواده در قالب انجمن اولیاء و مربیان انجام می‌شود، اما می‌توان گفت ارتباط تعریف شده و سازوکاری جهت همکاری اثربخش و مستمر اضلاع تربیتی کشور وجود ندارد.

بر اساس این، پژوهش به دنبال کشف و مدل‌سازی مؤلفه‌های مرتبط با تعامل مسجد، مدرسه و خانواده (با تأکید بر نقش محوری مسجد) می‌باشد و سؤال اصلی این پژوهش این است که همکاری مسجد، مدرسه و خانواده دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است. از آن‌جا که به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌های پاسخ به سؤال مذکور، موردکاوی موردی موفق در این عرصه است، در این تحقیق چهارده مسجد موفق در عرصه تعامل با مدرسه و خانواده در شهرهای تهران، قم، اصفهان، مشهد، اهواز و قزوین مورد مطالعه قرار گرفتند.

۱. مبانی نظری پژوهش

همکاری بین بخشی^۱

سازمان‌ها به‌طور کلی برای حصول به اهداف خود در محیط‌های پرچالش و متغیری که سرعت تحولات بسیار بالاست، به استفاده از تمامی امکانات و ابزارهای موجود پیرامون خود نیازمندند. در ارتباطات سازمان‌ها و بخش‌های مختلف، رویکرد «همکاری» به نسبت رویکرد «رقابت» دارای مزایایی است و مورد استقبال بیشتری است (هادی زبردست، ۱۳۸۳)؛ از جمله این که در رویکرد حاکم بر رقابت «برد-باخت» نتیجه اقدامات است (اوتارخانی، ۱۳۸۲) اما همکاری مبتنی بر رویکرد «برد-برد» است (هادی

¹ Cross-Sector Collaborations

زبردست، ۱۳۸۳). روابط صحیح و به موقع بین سازمان‌ها، مزیت‌های فراوانی از جمله کسب منابع اطلاعاتی، انسانی، مدیریتی و مالی جدید، تسهیل در کسب، حفظ و ارتقاء مزیت‌های رقابتی پایدار، کسب سهم بیشتر بازار، کاهش هزینه ارائه خدمات و تولید کالاها، افزایش نوآوری و خلاقیت را در پی خواهد داشت (Doz & hamel, 1998).

همکاری بین بخشی مشارکتی است که در راستای تولید ارزش عمومی و حل چالش‌های اجتماعی توسط دولت، بخش خصوصی و بخش سوم (همچون سازمان‌های غیرانتفاعی و انسان‌دوستانه، اجتماعات و...) صورت می‌پذیرد (Bryson, et.al, 2006). به عبارت دیگر همکاری بین بخشی، پیوند یا اشتراک اطلاعات، منابع، فعالیت‌ها و ظرفیت‌ها به وسیله سازمان‌هایی (از دو یا سه بخش متفاوت جامعه) برای تحقق اهدافی است که صرفاً توسط یک بخش محقق نمی‌گردند. از جمله نیازهایی که همکاری بین بخشی را پدید می‌آورد، شکست یک بخش در تحقق اهداف است. سازمان‌ها تنها زمانی به همکاری روی می‌آورند که نمی‌توانند آن چه دوست دارند را بدون همکاری محقق کنند و خط مشی‌گذاران زمانی به تلاش برای همکاری بین بخشی متمایل می‌شوند که معتقد باشند تلاش‌های جداگانه بخش‌های مختلف برای رفع مشکلات اجتماعی محکوم به شکست است و رفع این شکست‌ها با اقدام یک بخش به تنهایی مقدور نخواهد بود (Bryson, et.al. 2006, pp. 44-46).

همکاری بین بخشی که برخی از آن به عنوان همکاری اجتماعی^۱ یاد می‌کنند (May, 2007, p. 858) میان بخش‌های غیرانتفاعی، کسب و کار و دولت به موازات گسترش موج کوچک‌سازی دولت، خصوصی‌سازی، افزایش مسئولیت اجتماعی کسب و کارها و تلاش سازمان‌های غیرانتفاعی جهت راه‌حل دادن برای مشکلات متعدد اجتماعی، گسترش یافت

¹ social partnerships

(Austin, ۲۰۰۰; Gray, ۱۹۸۹; Hart, ۲۰۰۷; Seitanidi, ۲۰۰۷; Selsky & Parker, ۲۰۰۵; Waddock, ۱۹۹۱, as cited in Murphy, et.al, ۲۰۱۵, p.۱۴۵).

تنوعی از گونه‌های ارتباطات بین بخش غیردولتی و دولتی وجود دارد. یک‌گونه ارتباط برای همه شرایط مناسب نیست که انتخاب گونه مناسب آن بستگی به شرایط سازمان‌های غیردولتی و بخش دولتی دارد. (Coston, 1998). همکاری بین بخشی در چهار حوزه صورت می‌پذیرد که عبارت است از ارتباط غیرانتفاعی-کسب و کار، کسب و کار-دولت، دولت-غیرانتفاعی و همکاری سه بخشی دولت-کسب و کار-غیرانتفاعی (Selsky and Parker, 2005, p.849).

گسترش فعالیت‌ها از طریق انواع روابط بین سازمانی نیز تنها مربوط به سازمان‌های بزرگ نیست. (صداقت‌زادگان، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۱) این ارتباطات در سازمان‌های کوچک نیز بسیار مؤثر و مفید است (غلامی و باقری، ۱۳۹۱). با توجه به این تعریف می‌توان ارتباطات بین سازمانی را برای مجموعه‌های غیرانتفاعی و مردمی نیز بسیار لازم و ضروری دانست. سازمان‌های مردم‌نهاد کارآیی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند. ظهور سازمان‌های مردم‌نهاد سبب شده است تا دولت‌ها در اجرای مسائلی همچون مشاوره، اطلاع‌رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی با آنان همکاری داشته باشند (فرهنگ و تمدن، ۱۳۸۶).

مسجد، مدرسه و خانواده

نهادهای تربیتی کشور را می‌توان به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. تربیت رسمی به شکل قانونی سازمان‌دهی شده و به اعطای مدرک معتبر می‌انجامد. مدرسه مهم‌ترین نهاد تربیت رسمی کودکان و نوجوانان است؛ مسجد و خانواده نیز مهم‌ترین نهاد تربیت غیررسمی تلقی می‌گردد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ب، ص. ۱۶۸). تربیت رسمی و غیر رسمی در نظام اسلامی هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند. لذا با

توجه به ظرفیت‌های اختصاصی و قوت و ضعف هر یک، لازم است این سه نهاد به مثابه سه ضلع مثلث تربیتی قلمداد گردد و هر یک ضمن تعامل سازنده، یکدیگر را در تحقق غایت و اهداف مشترک یاری کند.

مسجد: مسجد در جامعه اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد و کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به‌عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل کرده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، که به‌عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است (Mowlana, 1996, p. 148). مسجد در عصر نبوی کانون و محفلی برای تعلیم و آموزش بوده است. حضرت ختمی مرتبت در راستای نگاه آموزشی، تعلیمی و تربیتی یا خود به‌طور مستقیم مباحث آموزشی در مسجد را به‌عهده می‌گرفتند (فرخی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۹). در گذشته‌ای نه چندان دور، از نظر جغرافیایی معمولاً مسجد، بازار، تکیه، مدارس و حوزه‌های علمیه در یک مجموعه، قرار داشته است و هنوز در بسیاری از شهرهای ایران و دیگر کشورهای اسلامی، می‌توان نشانه‌های روشن این همزیستی را یافت (فرقانی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶). این نقش کانونی، همواره منشأ تحرک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام بوده است (خسروی، ۱۳۸۵، ص. ۳۸۶) و کانون توجه و مرکزیت هندسی شهر و محله به مسجد تعلق داشته است (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۳۹۵). امروزه نیز در بین سازمان‌هایی که ذیل بخش سوم قرار می‌گیرند، مسجد گسترده‌ترین نهاد است. براساس آمارهای موجود در کشور، بالغ بر هفتاد هزار مسجد وجود دارد (مروری بر وضعیت مساجد در ایران، ۱۳۹۶).

مدرسه: نظام آموزش و پرورش، الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه است که تحقق هدف‌های چندگانه انتقال میراث فرهنگی و شکوفاسازی آن، پرورش همه‌جانبه فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را برعهده دارد (علاقه‌بند، ۱۳۶۴، صص. ۵-۶). بخشی از اهداف کلان آموزش و پرورش عبارت است از: «گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی، برقراری نظام اثربخش و

کارآمد مدیریت منابع انسانی براساس معیار اسلامی، افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به‌ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، الف، ۱۳۹۰).

می‌توان گفت مدرسه پدیده‌ای مدرن است که در گذشته به‌نحوی دیگر و در چارچوب فکری-فرهنگی خاصی وجود داشت. دنباله این نهاد را باید در مسجد مدرسه‌های قدیم جستجو کرد. با ورود اسلام به ایران، شکوفایی دانش، افزایش یافته و مراکز علمی و آموزشی بسیاری پدید آمد که تداوم سنت تشکیل حلقه‌های بحث و درس در مسجد بودند. در مساجد، هر حلقه‌ای با نام آن درس شناخته می‌شد. مانند حلقه فقه، حلقه حدیث و ... (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴، ص. ۹۲). مقدسی، جغرافی‌دان معروف در سده چهارم قمری به تشکیل ۱۲۰ حلقه تدریس در مسجد جامع‌الازهر اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۹۰۶ به نقل از پایگاه اینترنتی تبیان). اما سرانجام با توجه به شمار فراوان طلاب، تقابل میان کارکرد مذهبی و آموزشی مساجد و مشکلات ناشی از آن و همچنین گاهی به دلیل ورود علوم عقلی که با محیط مسجد (از منظر برخی) ناسازگار بود، بنایی مستقل برای آموزش در نظر گرفته می‌شود و فضای مدرسه در معماری اسلامی شکل می‌گیرد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴). پس مدارس از منفک شده‌های مساجد است (تنها، ۱۳۹۴، ص. ۲۱).

خانواده: مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی، که از ابتدای حیات تا لحظه مرگ، در تربیت انسان نقش دارد، خانواده است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است. سلول اصلی در جامعه است... به این معنا اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و سنگ‌بنای شکل‌گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ‌ها از اهمیت والایی برخوردار است (شریفی‌نیا، ۱۳۹۳). بر این اساس برخی کارکردهای خانواده

عبارت است از: «عامل آرامش و اطمینان، حفظ از گناه و فحشا، عامل افزایش رزق و روزی، استمرار و بقای نسل، کمال و پویایی جامعه، جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، کانون سالم تربیت و آموزش، مراقبت و محافظت از کودکان و ناتوانان و سالمندان، نیل به پاداش‌های عظیم الهی و کمالات انسانی، ارضای حس محبت کردن و مورد محبت واقع شدن، انتقال خالصانه تجربیات و تربیت فرزندان» (ولی‌زاده، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه همکاری مسجد با مدرسه و خانواده عمدتاً به تعامل مسجد با یکی از دو رکن (خانواده یا مدرسه) پرداخته شده است. تحقیقات انجام شده با موضوع تعامل مسجد و مدرسه سه محور کلی را دنبال می‌کنند: الف: نقش تعلیمی مساجد در دوران صدر اسلام و تمدن اسلامی (که مساجد در آن دوران در اوج فعالیت و پویایی مساجد در زمینه‌های ترویج علم و علم‌آموزی بوده‌اند)؛ ب: بررسی مسجد-مدرسه‌ها از بعد معماری؛ ج: حضور نوجوانان در مسجد و الزامات آن‌ها. از سوی دیگر پژوهش‌های مرتبط با تعامل مسجد و خانواده که عمدتاً توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران انجام شده است، به محورهایی نظیر نقش مسجد در تأسیس، تحکیم و تربیت نظام خانواده، عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها، بررسی فقهی و آسیب شناسانه تعامل مساجد در مواجهه با بانوان به‌عنوان مدیر درونی خانواده اشاره دارد (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، ۱۳۹۳).

این پژوهش به عنوان خلأ احساس شده بررسی جامع تعامل فیما بین مسجد، مدرسه و خانواده بوده است. لازم به ذکر است در هیچ‌یک از پژوهش‌ها، این همکاری به صورت جامع و با تکیه بر داده‌های میدانی حاصل از بررسی موردی مساجد موفق بررسی نشده است. بخشی از این پژوهش‌ها در جدول شماره ۳ ذکر شده است.

جدول شماره ۱- بخشی از پژوهش‌های مرتبط با تعامل مسجد، مدرسه و خانواده

ردیف	عنوان	نویسنده و سال نشر	موضوع
۱	نقش تاریخی مسجد در تولید و پیشرفت علم و مقایسه آن با وضع کنونی	(رحمت‌آبادی، ۱۳۸۴)	<ul style="list-style-type: none"> دامنه و وسعت جنبش علمی مساجد در قرون اولیه تأسیس بنیان مکاتب فکری در مساجد جامع پیشنهاداتی برای ارتقای وضع کنونی مساجد
۲	گونه‌شناسی مسجد-مدرسه در معماری اسلامی ایران	(هوشیاری، پورنآداری و فرشته نژاد، ۱۳۹۲)	<ul style="list-style-type: none"> بررسی ارتباط فضای آموزشی و نیایشی در مساجد از منظر معماری گونه‌شناسی پیوند فضای آموزشی و نیایشی در معماری مساجد استفاده از واژه مسجد-مدرسه
۳	مسجد و نظام آموزشی سنتی و جدید در دوره قاجار	(علی صوفی و دشتکی‌نیا، ۱۳۹۲)	<ul style="list-style-type: none"> جایگاه و کارکرد آموزشی مسجد در نظام آموزشی در دوره قاجار اثر تغییرات تجددآمآبانه قاجار بر کارکرد آموزشی مسجد پایگاه مسجد در نزاع موافقان و مخالفان مدارس جدید
۴	الزامات نرم‌افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد	(شـرفی-نیا، ۱۳۹۳)	<ul style="list-style-type: none"> بررسی الزامات نرم‌افزاری حضور کودکان و نوجوانان بیان جذابیت‌های شخصیتی، ظاهری، کلامی و رفتاری ارکان و بخش‌های مسجد
۵	نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده (همراه با آسیب‌شناسی وضع موجود)	(ولسی‌زاده، ۱۳۹۳)	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی آسیب‌های موجود نهاد خانواده و راه‌حل‌های برون‌رفت از طریق نهاد مسجد برنامه‌های دشمنان برای آسیب زدن به خانواده
۶	بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده	(شرفی‌نیا، ۱۳۹۳)	<ul style="list-style-type: none"> کارکردها و ظرفیت‌های مسجد در تعالی و تحکیم خانواده خصوصیات رفتاری و اطلاعات مشاوره‌ای مورد نیاز امام جماعت

پیشینه سیاسی، قانونی و اجرایی

موضوع تعامل مسجد، مدرسه و خانواده در اسناد بالادستی نیز مورد توجه بوده است. در بند سوم سیاست‌های کلان خانواده^۱ که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است موضوع تعامل خانواده و مسجد تأکید شده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۲ در ذیل بند هفت به نهادهای سازی و تقویت همکاری مدرسه با مسجد از طریق حضور مؤثر و دوسویه معلمان در مسجد و نیز حضور مبلغان و روحانیون در مدرسه اشاره می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، الف، ۱۳۹۰). همچنین در سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ذیل راهبرد کلان ششم، تقویت تعامل مسجد و مدرسه به منظور ارتقای نقش آنها در تربیت دینی محله تصریح شد است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ج، ۱۳۸۹).

سازمان‌های متولی حوزه مسجد نیز در طول سال‌های بعد از انقلاب به این امر اهتمام داشتند. برای نمونه دو طرح پژوهشی تحت عناوین «بررسی نقش آفرینی مسجد در منظومه تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی در ج.ا.ا (موردکاوی مساجد موفق در عرصه تعامل با مدرسه)» و «سند تعامل مسجد و بانوان». طرح اول، پژوهشی موردکاوانه است که می‌توان آن را از جمله جامع‌ترین پژوهش‌های میدانی قلمداد کرد که داده‌های آن برآمده از صد ساعت مصاحبه با فعالان فرهنگی بیست مسجد موفق در شش استان تهران، قم، اصفهان، مشهد، اهواز و قزوین بوده است (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، ۱۳۹۶). خروجی طرح پژوهشی دوم نیز سندی می‌باشد که با هدف ارائه خط‌مشی‌های مرتبط با تعامل بانوان (در نقش هسته خانواده) با مسجد تدوین شده‌اند و مشتمل بر بیان وضع موجود، اصول، چشم‌انداز، راهبردها و اقدام می‌باشند (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، ۱۳۹۵). علاوه بر آن اکنون طرح شهید بهنام محمدی

^۱ ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۳

^۲ مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین طرح‌های تربیتی بسیج در حال اجراست. ایده اصلی طرح بهنام محمدی، همگرایی و همکاری سه نهاد تربیتی مسجد، خانه و مدرسه در راستای تحقق محله اسلامی است (جزئیاتی از طرح بهنام محمدی، ۱۳۹۶).

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی با استراتژی داده‌بنیاد استفاده شده است. نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی کیفی است که برای تدوین نظریه در مورد یک پدیده، به‌صورت استقرایی، مجموعه‌ای منظم از رویه‌ها را به‌کار می‌برد (Strauss, et.al, 1990, p. 55). این پژوهش با مطالعه موردی بیش از چهارده مسجد موفق در حوزه تعامل با مدرسه و کودک و نوجوان و مصاحبه با صاحب نظران «تعامل مسجد و مدرسه و خانواده» صورت پذیرفته است. اطلاعات این مساجد در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است. این مساجد از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، سایر نهادهای فعال در حوزه مسجد و خبرگان این حوزه به پژوهشگران معرفی شده است. کمیت بالای متریبان، باور به لزوم محوریت مسجد در محله و توجه به پیوند سه رکن تربیتی خانواده، مسجد و مدرسه برای تربیت نوجوانان از ویژگی‌های مشترک این مساجد بوده است.

جدول شماره ۲- اسامی و ویژگی‌های مساجد موفق مورد بررسی

ویژگی‌های کلیدی	شهر	نام	
۱. قرارگاهی برای فعالیت هماهنگ مساجد «حجازی، امام زین- العابدین، شهید اشرفی اصفهانی، حضرت ولیعصر» ۲. پیوند حقیقی حوزه علمیه، مسجد و مدرسه ۳. تأسیس واحد خواهران و تمرکز بر تحقق محله اسلامی و خانواده موفق ۴. وجود ستاد قوی در حوزه تأمین محتوا، آموزش مربیان، نظارت و سیاست‌گذاری	اهواز	قرارگاه طلوع‌داران ظهور شبکه مساجد (حجازی، زین- العابدین، اشرفی اصفهانی، ولیعصر)	۱
۱. تأسیس و اداره مدارس اندیشه صفا در همه مقاطع در بخش	تهران	صفا	۲

<p>دختران و پسران، مهدکودک، حوزه علمیه خواهران و برادران و حدود ده نهاد فرهنگی و خدماتی دیگر</p> <p>۲. مرجعیت فکری و محوریت تشکیلاتی امام جماعت</p> <p>۳. اثرگذاری مسجد بر محله و منطقه در حوزه‌های مختلف خدماتی همچون محرومیت‌زدایی و ...</p>			
<p>۱. مدیریت تربیتی چند مدرسه و تأسیس مدرسه‌ای که مدیریت آن برعهده مسجد است.</p> <p>۲. بهره‌مندی از پشتیبانی روحانیون منطقه و حوزه‌های علمیه پویای شهر اهواز</p> <p>۳. تلاش در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای بالفعل منطقه همچون مبارزه با اندیشه‌های وهابیت</p> <p>۴. دارای ستاد قوی در حوزه تأمین محتوا، آموزش مربیان، نظارت و سیاست‌گذاری</p>	اهواز	الغدیر	۳
<p>۱. پیوند کامل هماهنگی تشکل فرهنگی با کارگزاران مسجد</p> <p>۲. طراحی ساختار فرآیندی و خودترمیم به‌گونه‌ای که تربیت فرد با پذیرش مسئولیت‌های مختلف تناسب داشته باشد و افراد به طور مستمر در مسئولیت‌ها جایگزین یکدیگر شوند.</p> <p>۳. بلوغ تشکیلاتی که نشانه آن، داشتن چارت، شیوه‌نامه، کاربرگ‌های ارزیابی و ... است.</p>	اصفهان	قدس	۴
<p>۱. وجود امام جماعت توانمند در مهارت‌های ارتباطی و مدیریت افراد سلیق مختلف</p> <p>۲. تلاش برای برگزاری برنامه‌های مشترک میان مسجد و مدرسه</p>	قم	امام هادی	۵
<p>۱. مدیریت حقیقی مسجد به دست امام جماعت با ویژگی‌های قدرت رهبری، نیروپروری، توان ارتباطی بالا و نظارت جامع</p> <p>۲. تغییر شاکله مسجد از سنتی به جوان‌پسند و رفع اختلافات</p> <p>۳. اصالت کیفیت تربیتی در عین بالا بودن کمیت مربیان و برنامه‌ها</p> <p>۴. استفاده بهینه از ظرفیت طلاب در تأمین کادر تشکیلاتی-تربیتی</p>	اسلامشهر ر (تهران)	حسین بن علی	۶
<p>۱. مدیریت حقیقی مسجد به دست امام جماعت با ویژگی‌های</p>	ورامین	امام حسن	۷

نیروپروری، توان ارتباطی بالا، رهبری و نگرش راهبردی ۲. زمینه‌سازی فعالیت از جمله اصلاحات ساختاری در مسجد ۳. تلاش در راستای بسط و گسترش دادن تجارب مسجد به- گونه‌ای هدف‌مند در میان سایر مساجد	(تهران)		
۱. توجه امام جماعت به مدیریت فرهنگی محله با فعالیت‌هایی همچون عیادت از بیماران، نماز جماعت در فضای ساختمان‌های مسکونی و ... ۲. توجه جامع به مدیریت فرهنگی محله	تهران	امید	۸
۱. وجود سلسله مراتب تشکیلاتی با محوریت امام جماعت مسجد و همکاری سایر کارگزاران، نخبگان و جوانان فعال مسجدی ۲. برنامه و نگرش تربیتی متنقن به گونه‌ای که برای همه ارکان تربیتی از جمله مربی، مربی، خانواده و زمینه) برنامه‌ریزی شده است.	قزوین	ولایت	۹
۱. حمایت همه‌جانبه امام جماعت از فعالیت‌های تربیتی نوجوانان ۲. فرآیند تربیتی دقیق بر محور قرآن	تهران	المهدی	۱۰
۱. فعالیت‌های تربیتی، خدماتی و فرهنگی در مساجد متعدد مناطق تحت نفوذ ۲. استفاده از ظرفیت عظیم پایگاه حوزه علمیه و درک رسالت روحانیون ۳. شناخت دقیق نیازها و اقتضائات محیطی و عمل متناسب با آن ۴. اهمیت دادن به واحد خواهران و استفاده از ظرفیت آنان	اهواز	حوزه امیرالمؤمنین	۱۱
۱. تعامل خوب امام جماعت مسجد با مدیران مدارس اطراف و سازمان‌های منطقه‌ای ۲. جذب حمایت سازمان‌های فرهنگی و خدماتی در راستای جذب دانش‌آموزان به مدرسه ۳. ارائه خدمات فرهنگی و مشاوره به مدارس، و اولیاء آنان از سوی مسجد	تهران	جامع قمر بنی هاشم	۱۲
۱. تلاش در راستای اجرای طرح فرهنگی متناسب با اقتضائات	تهران	الرسول	۱۳

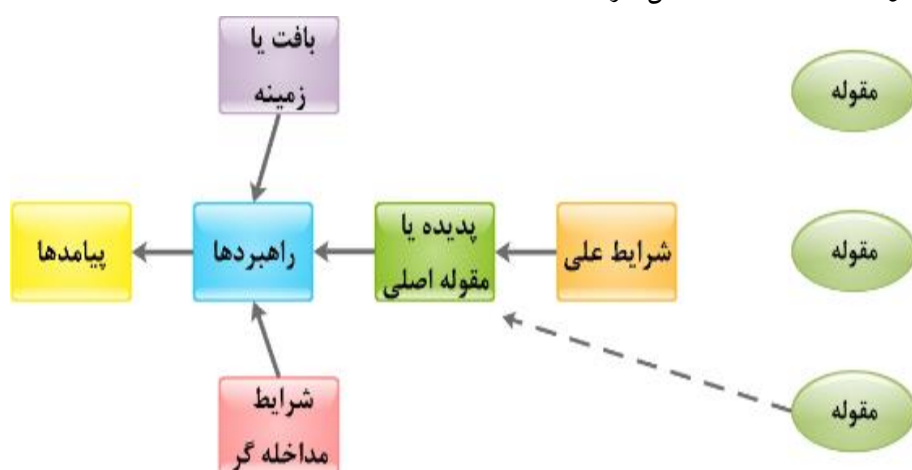
منطقه بالا شهر تهران			
۲. حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی امام جماعت از فعالیت فرهنگی جوانان			
۳. استفاده از قالب‌های مختلف جذب دانش‌آموزان از مدرسه به مسجد			
۱. تلاش جهت اثرگذاری بر بخش رسمی فرهنگ کشور همچون آموزش و پرورش از طریق تأسیس، کسب مناصب کلیدی و یا تعامل حسنه با سازمان‌ها و نخبگان	اصفهان	لبنان	۱۴
۲. همکاری برنامه رشد اعضا در طول زندگی (و نه در مقطعی خاص) با توسعه کارکردهای مسجد			
۳. روحیه تشکیلاتی و طراحی فرآیندهای تشکیلاتی همچون نظارت، مستندسازی امور و...			

روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و بررسی اسناد بوده است. بدین منظور با ۴۴ نفر از مربیان، مدیران و ائمه جماعت مساجد مورد بررسی مصاحبه صورت گرفته است. از آن‌جا که راهبرد پژوهش، موردکاوی است، ملاک انتخاب این افراد تجربه عملی طولانی‌مدت، محوریت در تشکیلات و اشراف کامل بر فعالیت‌های جاری، سوابق و برنامه‌های آینده مساجد مورد بررسی بوده است. اطلاعات جمعیت‌شناختی از منظر نقش مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۳- اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

نقش	تعداد	فراوانی (درصد)
مربی	۲۲	۵۰
مدیر (مسئول تشکل مسجدی و ...)	۱۴	۳۲
امام جماعت	۸	۱۸
مجموع	۴۴	۱۰۰

در این پژوهش از طرح نظام‌مند در استراتژی داده بنیاد استفاده شده است. این طرح بر استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استوار است و در این راستا از پارادایم منطقی یا تصویر نموداری تئوری خلق شده، استفاده می‌کند. براساس طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد، برای تحلیل داده‌های کیفی لازم است سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی سپری شود. از بطن داده‌های خام اولیه در مرحله کدگذاری باز ۵۶۰ نکته کلیدی در قالب کد اولیه استخراج شد. سپس این کدها در قالب ۵۹ مقوله فرعی (کدثانویه) و ۱۷ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. نهایتاً طی فرآیند کدگذاری انتخابی، گزاره‌های حکمی یا قضایای پژوهش که بر روابط درونی مقولات اشعار دارند، شکل گرفت.



شکل ۲- نمودار کدگذاری باز و الگوی کدگذاری محوری براساس ره‌یافت نظام‌مند استراوس و کوربین (Creswell, 2005, P.40)

روایی و پایایی پژوهش

یکی از روش‌های ایجاد اطمینان از روایی، استفاده از مرورگران خارجی^۱ جهت اعتبارسنجی داده‌ها و مدل حاصل از آن است (Strauss, et.al,1998 as cited in) (Creswell, 2011, p.442) که در این پژوهش مدل نهایی به همراه مقوله‌های اصلی و فرعی به ۵ نفر از اساتید دانشگاه که در حوزه‌های مسجد، مدرسه و خانواده صاحب‌نظر هستند ارائه و نکات ایشان اخذ گردید.

پایایی، بیانگر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است. ممیزی تحقیق را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود پایایی پیشنهاد کرد (Mays & pope, 2002, p.50 به نقل از غلام قوام‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴، صص. ۱۷-۱۸). از سوی دیگر موضوع «پایایی» (در پژوهش کیفی، نسبت به روایی کمتر مورد مناقشه بوده است. از آنجایی که روایی بدون پایایی نمی‌تواند باشد، نشان دادن اولی برای اثبات دومی کافی است.) ممیزی پژوهش را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود امکان اطمینان، پیشنهاد کرد و آن بررسی فرآیند و محصول پژوهش توسط داوران برای سازگاری آن‌هاست (مایز و پوپ، ۲۰۰۲، ۵۰ تا ۵۲ به نقل از محمدعلی‌زاده و زارع، ۱۳۹۴، ص. ۵۴). به دلیل بهره‌گیری پژوهشگر از روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات و از سوی دیگر مدت زمان طولانی جمع‌آوری اطلاعات می‌توان گفت پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به‌خوبی تضمین و برآورد شده است. پایایی بیان‌گر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است.

تحلیل یافته‌ها

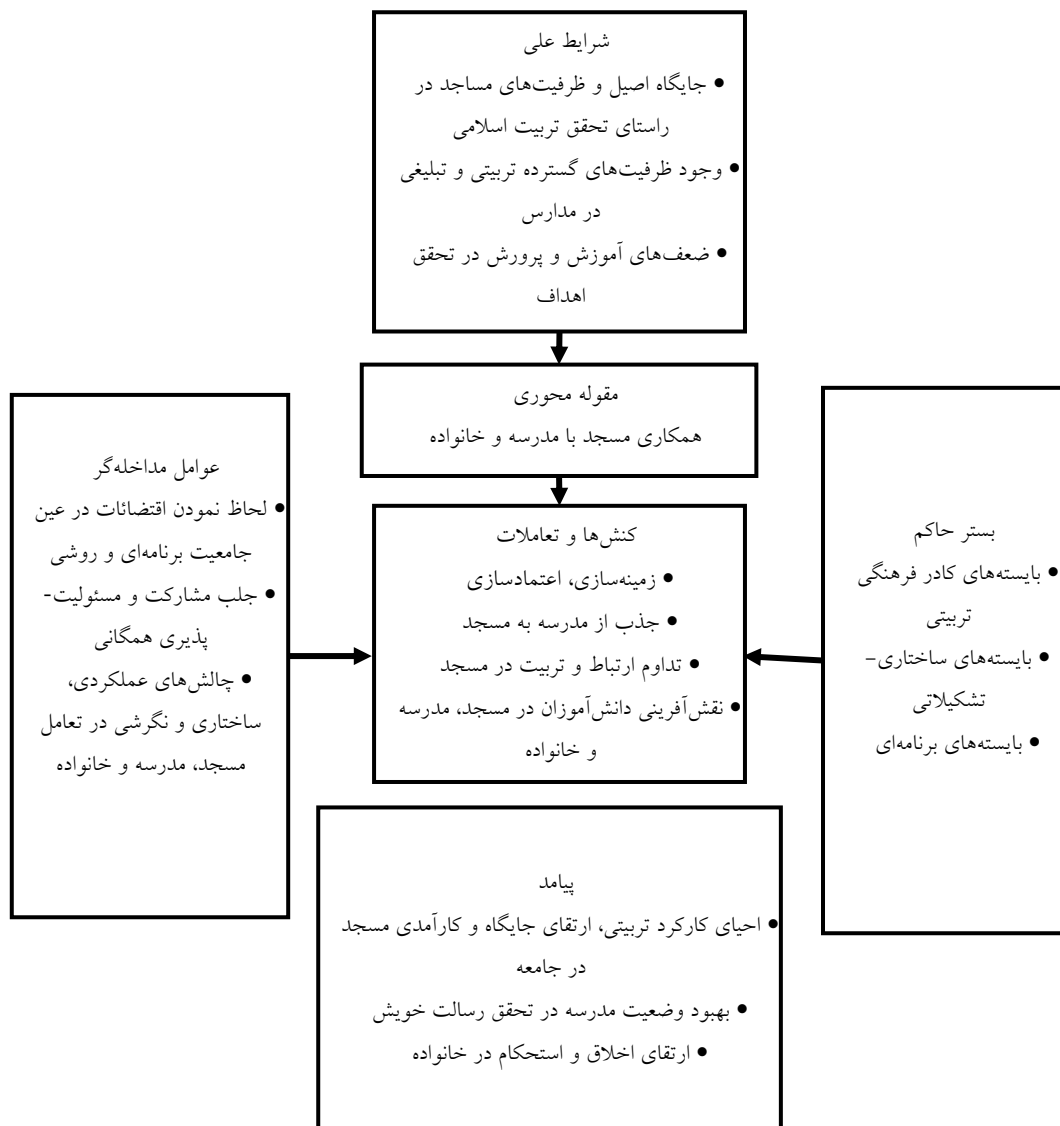
به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها که با روش‌های مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک و مشاهده مشارکتی استخراج شده است در مرحله اول کدگذاری باز صورت گرفت که

نمونه‌ای از آن که حاصل مصاحبه با یکی از فعالان فرهنگی مسجد الغدیر اهواز است، در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۴- نمونه‌ای از کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های به‌دست آمده

نشان‌گر	کد	متن مصاحبه
AL1	لزوم حضور تبلیغی روحانیون در مدارس	در ابتدای ورود ما به مدرسه، خانواده‌ها برایشان عجیب بود که روحانی به مدرسه رفت و آمد می‌کند. برخی از خانواده‌ها به‌خاطر پیش‌فرض‌های غلط و نگرانی، بچه‌هایشان را از مدرسه بردند. بعد از گذشت چهار ماه، اثر تغییر دانش‌آموزان و رشد مدرسه از جنبه‌های علمی و اخلاقی نمایان شد.
AL2	توجه به امور تحصیلی به‌عنوان عواملی اعتمادساز برای خانواده‌ها	خانواده‌ها دیدند که اخلاق و ادب و سطح علمی فرزندشان ارتقا پیدا کرد. در نتیجه اعتماد خانواده‌ها جلب شد؛ چرا که ثمره کار را دیدند.
AL3	جلب اعتماد خانواده‌ها به مسجد به تبع ارتقای تحصیلی فرزندان	ورق برگشت؛ به‌گونه‌ای که خانواده‌ها می‌گفتند در این ۳۷ سال بعد از انقلاب، چرا حوزه‌های علمیه وارد مدارس نشده‌اند؟
AL4	اعتماد بیش از پیش خانواده‌ها به مسجد بعد از دیدن ارتقای اخلاقی و رفتاری فرزندانشان	در نهایت شرایط طوری شد که امسال برای پایه اول دبستانی که مدیریت فرهنگی تربیتی آن به‌دست مسجد الغدیر بود، سیصد نفر داوطلب ثبت‌نام کردند که فقط ظرفیت پذیرش شصت نفر وجود داشت. دانش‌آموزان پایه ششم که به مقطع متوسطه می‌رفتند، از اینکه دارند جدا می‌شوند ناراحت بودند و بعضاً گریه می‌کردند. این واقعیت واقعاً دردناک است که چرا روحانیت چنین عرصه‌ای را رها کرده و دشمن توانسته در آن نفوذ کند.
AL5	ارتقای جایگاه روحانیت به تبع نقش‌آفرینی بیش از پیش آنان در عرصه تربیت	
AL6	رغبت عمومی نسبت به حضور مسجد در سایر عرصه‌های اجتماعی	
AL7	لزوم توجه به پیش‌فرض‌های خانواده‌ها نسبت به حضور مربیان مسجد در مدرسه	

در مراحل بعد کدگذاری محوری و انتخابی صورت پذیرفت که دسته‌بندی مفاهیم منتج به مقولات سطح یک و دو ذیل مقولات و محورهای الگوی نظام‌مند استراوس و کورین انجام شد. همچنین مؤلفه‌های مدل پارادایمی در شکل شماره دو به تصویر درآمده است. در ادامه هر یک از مؤلفه‌های مدل، توصیف و تشریح شده است.



شکل ۲: کدگذاری محوری براساس الگوی پارادایمی

با توجه به انتخاب رویکرد پارادایمی در بیان نتایج حاصل از پژوهش، در ادامه مؤلفه‌های مدل پارادایمی تشریح خواهد شد.

مقوله محوری

مقوله محوری عنصر کلیدی است که در پژوهش به دنبال تحلیل آن هستیم. مقوله - محوری، انتزاعی‌ترین مقوله است که به کرات در داده‌ها دیده می‌شود و در ارتباط با سایر مقوله‌ها تکمیل می‌شود. در این پژوهش مقوله محوری عبارت است از: «همکاری مسجد با مدرسه و خانواده» که تفصیل موارد گفته شده به شرح زیر است.

ماهیت تعامل مسجد، مدرسه و خانواده: ریشه آسیب‌های تربیتی امروز عدم جایابی مسجد، مدرسه و خانواده در منظومه‌ای تربیتی می‌باشد که پیوند این سه پایگاه کلیدی (خانواده به‌عنوان طبیعی‌ترین پایگاه، مدرسه به‌عنوان پایگاه آموزش و مسجد به - عنوان پایگاه اجتماعی تربیت اسلامی) گامی بزرگ در انسجام بخشی به کنشگران تربیتی محله است و می‌توان گفت حرکت تربیتی بدون لحاظ کردن سه‌گانه مسجد، مدرسه و خانواده، حرکتی ناقص خواهد بود. این پدیده به نقش‌آفرینی روحانیت و نیروهای داوطلبانه وابسته است و ماهیتی فعال‌ساز و انسجام بخش در میان کنشگران تربیتی (اعم از بخش رسمی و غیررسمی) دارد. اعتماد فی‌مابین روح روابط ارگانیک و پویای این سه نهاد را تشکیل می‌دهد؛ به همین دلیل ماهیتی حساس و ضربه‌پذیر دارد. این تعامل، در زمینه‌سازی تربیت جامع برای افراد و الفت‌آفرینی میان کنشگران فرهنگی محله و منطقه مقدمه‌ساز رفع خلأهای فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی محله و منطقه است.

باید توجه داشت پیوند این سه رکن از آن جا که کاملاً مبتنی بر ظرفیت‌های محله است براساس الگوی بومی و از پایین به بالا امکان‌پذیر است. از سوی دیگر تحقق پیوند حقیقی میان ارکان تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده) به‌رغم تأکید در اسناد بالادستی، در کوتاه‌مدت میسر نیست؛ چرا که این امر با اسلامی شدن ساختارهای کشور

در بخش آموزش و ... (که همان تحقق دولت اسلامی است) گره خورده است. با اهتمام نسبت به این تعامل، به تبع عنایت و برکت الهی، اصلاح ضعف‌های هر سه نهاد در راستای تحقق اهداف خویش را به دنبال خواهد آورد. علاوه بر آن، بهره‌وری فعالیت‌ها بالا می‌رود و زمینه برای حرکت به سوی دولت اسلامی توسط مردم (به شیوه پایین به بالا) فراهم می‌گردد.

ارکان پیوند مسجد، مدرسه و خانواده: آموزش و پرورش دارای جایگاهی انحصاری در تعلیم و تربیت نیروی انسانی کشور است. این سازمان عریض و طویل، گسترده‌ترین ساختار تربیت رسمی کشور می‌باشد و امکانات مالی، انسانی و سخت‌افزاری آن بیشتر با سایر نهادهای فرهنگی کشور است. از سوی دیگر کودکان و نوجوانان بیش از یک دهه، بخش عمده‌ای از زمان مفید روزانه خود را در این محیط می‌گذرانند. با وجود این ظرفیت‌ها، مدرسه بهترین پایگاهی است که می‌تواند تعامل کودکان و نوجوان به مسجد را تسهیل و جهت‌دهی نماید.

مسجد، اصیل‌ترین نهاد اسلامی است که توسط پیامبر به‌عنوان نهادی محوری در تربیت فردی و اجتماعی بنا نهاده شد. هر چند مساجد کنونی با وضع مطلوب فاصله‌ای جدی دارند، اما این نهاد به دلایلی همچنان دارای ظرفیتی بی‌بدیل در عرصه نقش-آفرینی تربیتی است. این دلایل عبارت است از «اثر تکوینی مسجد بر تعالی فردی، تأثیر بسیار فعالیت‌های تربیتی مردم نهاد و غیر انتفاعی مسجدی، حلقه وصل بودن مسجد در پیوند دو بستر تربیتی رسمی و غیررسمی، بهره‌مندی از حضور طلاب دغدغه‌مند حوزه علمیه، ظرفیت بالا در اثرگذاری بر خانواده‌ها و ماهیت انسجام‌بخش و اثرگذار بر نهادهای اجتماعی محله». پیوند با مدرسه و خانواده زمینه‌ای برای ارتقای وضع مساجد را نیز فراهم می‌نماید.

خانواده اولین، پایدارترین و طبیعی‌ترین نهاد اجتماعی است. جامعه صالح منوط به خانواده صالح است و رشد فرزند از قبل از تولد (وراثت) و بعد از تولد (تأثیر لقمه و

نوع تربیت) در خانواده تکوین می‌یابد. اسلام بر خانواده تأکید بسیاری دارد و والدین را نسبت به تربیت فرزند خویش مسئول می‌داند. بدین ترتیب ضرورت تعامل مسجد و مدرسه با خانواده بسیار است و در هر فعالیت تربیتی لازم است جایگاه خانواده لحاظ شود.

شرایط علی

شرایط علی، زمینه و محرک‌هایی هستند که باعث ایجاد و شکل‌گیری طبقه‌محوری (پیوند مسجد، مدرسه و خانواده) است (امامی، ۱۳۸۵). این عوامل عبارت است از: «جایگاه اصیل و ظرفیت‌های مساجد در راستای تحقق تربیت اسلامی، وجود ظرفیت‌های گسترده تربیتی و تبلیغی در مدارس، ضعف‌های نظام آموزش و پرورش کنونی در تحقق تعلیم و تربیت اسلامی»

جایگاه اصیل و ظرفیت‌های مساجد در راستای تحقق تربیت اسلامی: مساجد امروزی با ظرفیت‌هایی که دارند می‌توانند کمک بسیاری را در زمینه تحقق تربیت اسلامی داشته باشند. فارغ از اثر تکوینی مسجد، به عقیده برخی تربیت رسمی به دلیل عدم تناسب تربیت با رسمیت، تربیتی ناقص است. از سوی دیگر تربیت مسجدی در مقایسه با تربیت غیرمسجدی، بازدهی بالاتری را در فضای غیررسمی مسجد به دنبال خواهد داشت و از تأثیر آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی مدارس تا حد زیادی کاسته می‌شود. دلیل این مطلب آن است که تعاملات تربیتی مسجدی، مبتنی بر اخلاق و ارزش‌ها و با محوریت نیروهایی (همچون روحانیون و سایر جوانان مؤمن و انقلابی) است که فعالیت آن‌ها با دغدغه‌های ایمانی و غیرانتفاعی گره خورده است. علاوه بر مزایای محیط غیررسمی، مساجد دارای جایگاهی کلیدی در نظام اسلامی هستند و ظرفیت‌های آنان در نقش‌آفرینی جهت بهبود وضع اجتماعی بسیار بالاست. مدارس علاوه بر مزایای پیش گفته می‌توانند از مساعدت‌های اقتصادی و سخت‌افزاری مسجد

جهت تسهیل در امر تعلیم و تربیت استفاده نمایند. لذا مساجد می‌توانند مکمل (و یا محور) آموزش و پرورش باشند.

وجود ظرفیت‌های گسترده تربیتی و تبلیغی در مدارس: مدارس به تبع حضور گسترده دانش‌آموزان از جهت فعالیت‌های تبلیغی و جذب به مسجد، بهترین مکان هستند. علاوه بر آن، امروزه مدرسه و امور تحصیلی به اولویت اول خانواده‌ها تبدیل شده است و می‌توان گفت امروزه هر حرکت تربیتی از سوی مساجد، بدون لحاظ کردن تعامل با مدرسه و خانواده حرکتی ناقص است. از سوی دیگر امکانات مالی، انسانی و سخت‌افزاری آموزش و پرورش با سایر سازمان‌های فرهنگی کشور قابل مقایسه نیست. حضور نیروهای موظف تحصیل کرده و گسترش این ساختار در کشور، اهمیت اهتمام به تعامل و اثرگذاری در قالب مدرسه را جدی‌تر می‌نمایاند.

ضعف‌های نظام آموزش و پرورش کنونی در تحقق تعلیم و تربیت اسلامی:
آموزش و پرورش به‌رغم جایگاه کلیدی خویش، در تحقق اهداف تربیتی دچار کاستی - های اساسی است. آموزش محوری (در مقابل تربیت محوری) حافظه‌محوری، تقسیم نامناسب وقت روزانه دانش‌آموزان، عدم اهتمام در شکوفاسازی استعدادها و اختصاصی دانش‌آموزان و ضعف معلمان در مسائل دینی از مشکلات این نهاد است. از سوی دیگر مشکلات مالی، تأمین منابع انسانی و سخت‌افزاری از دیگر مشکلات این سازمان است. با توجه به اطلاع خانواده‌ها از وجود این اشکالات، زمینه برای رجوع ایشان به مسجد فراهم است. در صورتی که خانواده‌ها، مربیان مساجد را همیارانی امین و فضای تربیتی حاکم بر تشکیلات مسجد را اثربخش، پاک و امن ببینند ایشان جهت عضویت فرزندشان در تشکل تربیتی مسجد اقدام و پافشاری می‌نمایند. چنانچه در بسیاری از مساجد مورد بررسی دیده شده است که میزان تقاضای خانواده‌ها از میزان ظرفیت پذیرش متربی در مسجد فراتر رفته است.

بستر حاکم

این مقوله، شرایط خاصی است که به صورت مستقیم بر کنش‌ها و تعاملات در راستای تحقق مقوله محوری (پیوند مسجد، مدرسه و خانواده) اثرگذار است (امامی، ۱۳۸۵) که مؤلفه‌های آن عبارت است از: «بایسته‌های کادر فرهنگی تربیتی، بایسته‌های ساختاری-تشکیلاتی، بایسته‌های برنامه‌ای». تفصیل عوامل گفته شده به شرح زیر است.

۱. بایسته‌های کادر فرهنگی - تربیتی

استفاده از کادر واجد شرایط بینشی، گرایشی و رفتاری: از لازمه‌های اساسی پیوند میان این سه نهاد، وجود کادری است که اولاً واجد شرایط بینشی، گرایشی و کنشی باشند و ثانیاً لوازم تداوم حضور و پویایی آنان در تشکیلات فراهم باشد. کادر فرهنگی برای تعامل با مدرسه و خانواده باید واجد ویژگی‌های ذیل باشند.

- خودسازی و تهذیب نفس
- پشتکار و خسته نشدن در فعالیت‌ها
- تجربه فعالیت تربیتی
- داشتن مهارت‌های ارتباط با مسئولان آموزش و پرورش
- واجد معرفت دینی و قوت علمی
- توان از خودگذشتی و ایثار برای تحقق اهداف
- روحیه تشکیلاتی

تمهید لوازم در راستای رشد مربی: به تبع این موضوع که تربیت امری دائمی است، باید لوازم رشد مربیان نیز در کنار متریان، فراهم آید. این عوامل را می‌توان در دو دسته نگه‌دارنده و پیش‌رونده تقسیم کرد. عوامل نگه‌دارنده عواملی هستند که بودنشان برای استمرار حضور و بالندگی مربیان لازم است. عوامل پیش‌رونده نیز عواملی هستند که بودنشان عاملی است جهت انگیزش و بهره‌وری مربیان در فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی. نکته قابل تأمل آن است که از منظر هر فرد، ممکن است هر

یک از مصادیق در دسته‌ای خاص قرار بگیرد. عوامل زیر را در این دو دسته می‌توان جای داد.

- هم‌راستایی فعالیت تربیتی با رشد مربیان
- تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی مربیان
- تدارک آموزش‌های تخصصی و دوره‌های کارورزی برای مربیان جهت تعامل با

نوجوانان

- توجه به مسائل تحصیلی و خانوادگی مربیان
- سوق‌دهی مربیان به سمت تحصیلات عالی حوزوی
- طراحی نظام برای تربیت مربی در ابعاد مختلف معرفتی، مهارتی و ...
- پشتیبانی مالی از طلاب فعال در امور تربیتی
- مربی‌گری تربیتی به‌عنوان فعالیتی در راستای کارآموزی

تعامل اثربخش جهت جلب مشارکت همگانی: از جمله مواردی که باید مورد اهتمام فعالان فرهنگی قرار گیرد، جلب مشارکت همگان در تبلیغ و تربیت دینی است. افرادی که به‌صورت مستقیم بر فعالیت‌ها اثرگذارند همچون هیئت امنای مسجد، کادر مدرسه، خانواده‌ها را به‌صورت کامل همراه و مشارکت ایشان را جلب کرد و از سوی دیگر باید متریبان را به تدریج برای ایفای نقش و مسئولیت‌پذیری آماده نمود.

۲. **بایسته‌های ساختاری-تشکیلاتی**

علاوه بر بایسته‌ها در حوزه سرمایه‌های انسانی (کادر فرهنگی - تربیتی)، ساختار و تشکیلات مسجد نیز برای تعامل با کودک و نوجوان و تحقق پیوند میان مسجد، مدرسه و خانواده باید دارای ویژگی‌هایی باشند که در ادامه به تشریح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

نقش آفرینی حوزه علمیه و روحانیت: روحانیت و پایگاه حوزه علمیه ظرفیت‌های بی‌بدیلی در حوزه تربیت و تبلیغ دینی دارند. حوزه علمیه، بهترین پایگاه برای تربیت

مربی متخصص در تعامل با نوجوان می‌باشد. علاوه بر آن فرد روحانی، عاملی محوری در انسجام در نهادهای فرهنگی رسمی و غیررسمی است. با وجود ظرفیت‌ها، اساساً فعالیت تبلیغی از وظایف طلاب حوزه علمیه است و جامعه هدف این اقدام وقتی نوجوانان ساکن در منطقه محل زندگی روحانیون باشد، تأثیر و ضرورت نقش‌آفرینی بیشتری به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن، حضور و محوریت روحانیت در امور فرهنگی - تربیتی منجر به جلب اعتماد خانواده‌ها و سایر افراد اثرگذار می‌گردد.

الگوی مربی - مربی: الگوی مربی - مربی الگویی مشترک میان تمام مجموعه‌های تربیتی است. هر چند سایر عوامل محیطی بر تربیت اثرگذار است، اما باید گفت تربیت، اساساً پدیده‌ای انسانی است و به تبع نظارت و ارشاد مربی (که در مرتبه‌ای بالاتر از رشد دست یافته است) برای مربی محقق می‌گردد. مربی، الگوی عملی و برادری دلسوز برای مربی محسوب می‌شود و باید کاری کرد تا پس از والدین، مربیان دارای نقشی محوری در ساختار تشکیلاتی و اثرگذاری تعیین‌کننده برای نهادهای فرهنگی - تربیتی باشند.

ساختار خود ترمیم: اقتضای مجموعه‌های مردم‌نهاد، گردش نیروهای داوطلبانه است. کادر فرهنگی، از آن‌جا که موظف و اجیر مجموعه‌ها نیستند، گاه اولویت‌های جدید و مهم‌تری برایشان رقم می‌خورد و خواه‌ناخواه مجموعه را ترک می‌نمایند. برای جلوگیری از ضربه‌پذیری تشکل‌های مردم‌نهاد، لازم است ساختاری طراحی شود تا گردش و جایگزینی نیروها را به صورتی طبیعی رقم بزنند. در این ساختار مسئولیت - پذیری به صورتی نهادینه به افراد آموزش داده می‌شود و تلاش می‌شود چرخه‌ای طراحی گردد که افراد به صورت تدریجی مسئولیت‌هایی متناسب با استعدادهای خویش بپذیرند و علاوه بر شکوفایی استعداد خویش، نیازهای مجموعه را از جهت کادر تربیتی پاسخ گوید.

همکاری ارکان مسجد: تعامل سازنده میان تشکل مسجدی با کارگزاران مسجد (همچون هیئت امنا، امام جماعت و سایر کنش‌گران) از مؤلفه‌های مهم می‌باشد که عدم تحقق آن اختلافات بسیاری را سبب می‌شود. از سویی کارگزاران مسجد باید تشکل‌های مسجدی را بازوان اجرایی و محتوایی خویش قلمداد نمایند و آن‌ها را از جنبه‌های مختلف حمایت و نسبت به آنان حمایت (مادی و معنوی) و نظارتی پیش برنده داشته باشند و از سوی دیگر تشکل‌های فرهنگی باید زمینه‌ها را برای همدلی و تعامل حسنه با کارگزاران و نمازگزاران مهیا نمایند. ایشان باید خویش را نسبت به برنامه‌ها و مشکلات عمومی مسجد مسئول بدانند و تلاش نمایند تعامل سازنده با کارگزاران مسجد را سرلوحه کار خویش قرار دهند و از پشتیبانی فکری، معنوی و مادی کارگزاران مسجد بهره گیرند.

انسجام تشکیلاتی: انسجام تشکیلاتی لازمه هر حرکت جمعی است. فرهنگ فراگیر در مسئولیت‌پذیری، ولایت‌پذیری کار تیمی باید در جریان باشد. علاوه بر آن باید سازوکارهای تشکیلات به‌گونه‌ای طراحی گردند تا انسجام و تیم محوری (در کنار محوریت رهبر در تشکیلات) نهادینه گردد.

همگرایی ساختاری میان مسجد، مدرسه و خانواده: پس از انسجام درون تشکیلاتی باید به همگرایی برون تشکیلاتی (میان نهادهای سه‌گانه مسجد، مدرسه و خانواده) اهتمام ورزید. تلاش جهت شناساندن امکانات، اهداف، ظرفیت‌ها، اقتضائات و محدودیت‌ها از سوی هر مسجد و مدرسه و خانواده به یکدیگر و تلاش جهت نزدیک کردن اهداف و هم‌جهت نمودن رویه‌ها و اقدامات و اشتراک منبع باید مدنظر قرار گیرد. در صورتی که سازوکارها به‌گونه‌ای طراحی شود که در جریان امور، هماهنگی و همکاری این سه نهاد (مسجد، مدرسه و خانواده) را به دنبال داشته باشد می‌توان گفت همگرایی به شیوه‌ای ساختاری محقق شده است و زمینه برای پدیده محوری تحقیق فراهم است.

توجه به ملاحظات حقوقی: از آن‌جا که مدرسه ساختاری رسمی و بروکراتیک است، باید زمینه‌های لازم جهت تعامل با این نهاد را فراهم کرد. اخذ مجوز، وجود تفاهم نامه و رعایت ملاحظاتی همچون بیمه دانش‌آموزان در اردوها و فعالیت‌های بیرون از مدرسه از لوازمی است که در صورت عدم رعایت می‌تواند استمرار این فعالیت‌ها را خدشه‌دار نماید.

۳. بایسته‌های برنامه‌ای

علاوه بر بایسته‌هایی که در زمینه نیروی انسانی و ساختار تشکیلاتی مطرح است، در برنامه‌های مسجد در تعامل با مدرسه و خانواده باید ملاحظاتی رعایت شود. این ملاحظات عبارت است از:

تناسب برنامه‌ها با اقتضائات متریبان: مهم‌ترین لازمه طراحی برنامه‌های تربیتی توجه به تناسب برنامه‌ها با روحیات و اقتضائات متریبان و ابتدای روش‌های تربیتی بر اقتضائات نوجوانان است. نوجوانان دارای ویژگی‌هایی همچون «محبت‌خواهی، معنویت‌خواهی، هویت‌یابی، تمایل به پیگیری جذابیت‌های ظاهری، دوست‌یابی، استقلال‌خواهی، درگیر غرائز بودن، تزلزل در شناخت‌ها و اهداف» می‌باشد.

توجه به سه مؤلفه تحصیل، تهذیب و ورزش: انسان موجودی ذو ابعاد است و در راستای تربیت، باید برای هر بعد وجودی وی (ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری) برنامه‌ای طراحی شود. در ساحت بینشی، بعد فکری و تحصیلی وی مورد تأکید قرار می‌گیرد و طراحی برنامه‌های مطالعاتی و پیگیری امور تحصیلی نوجوانان در این دسته جای می‌گیرد. در گرایشی، احساسات نوجوان مورد توجه است. برنامه‌های معنوی همچون برگزاری هیئت و انس با قرآن را می‌توان در این دسته جای داد. ساحت سوم نیز ساحت رفتاری و جوانحی است که برنامه‌های ورزشی و مسئولیت‌سپاری و نظارت بر رفتارهای وی در این دسته جای می‌گیرد.

لزوم وجود برنامه تربیتی مدون و جامع: از ویژگی‌های برنامه تربیتی خوب، جامعیت آن در حوزه‌های مختلف است. وجود نظام تشویق و تنبیه، توجه به رشد تربیتی در موضوعات مختلف، طراحی برنامه برای مراحل مختلف تربیتی، توجه به جامعه‌سازی در عین کادرسازی (و تبلیغ در عین تربیت)، توجه به الزامات ستادی در کنار اقدامات صفی از جمله بایسته‌هایی است که باید در این بخش رعایت شود.

کنش‌ها و تعاملات

مقوله کنش‌ها و تعاملات، آن دسته از اقداماتی است که در راستای همکاری مسجد، مدرسه و خانواده انجام می‌گیرد که عبارت است از: «زمینه‌سازی، اعتمادسازی/ جذب از مدرسه/ تداوم ارتباط و تربیت در مسجد/ نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در مسجد، مدرسه و خانواده». تفصیل عوامل گفته شده به شرح زیر است.

۱. زمینه‌سازی و اعتمادسازی

به تبع افتراق ساختاری نهاد مسجد با مدرسه، شروع تعامل فی‌مابین نیازمند انجام زمینه‌سازی و اعتمادسازی در مسجد، مدرسه و خانواده در حوزه تربیت کودک و نوجوان است.

اولاً لازم است اهالی مسجد نسبت به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد آمادگی فرهنگی داشته باشند و مساعدت لازم را انجام دهند. فرهنگ‌سازی رفتار شایسته با کودکان و نوجوانان، اختصاص فضای فیزیکی و مساعدت مالی برای حضور و فعالیتشان از جمله اقدامات لازم از سوی نهاد مسجد و اهالی آن است. در گام دوم باید در راستای اعتمادسازی، رابطه‌ای حسنه را با مدیر و معلمان مدرسه برقرار و سپس اعتماد خانواده را جلب کرد. تلقی مدیر و کادر مدرسه باید به گونه‌ای شکل بگیرد که اولاً اهداف ایشان در راستا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف مدرسه باشد و ثانیاً مریبان تربیتی مساجد افراد شایسته و قابل اعتمادی برای تعامل در راستای تحقق این اهداف

هستند. از سوی دیگر خانواده‌ها لازم است کادر تربیتی مسجد را به‌عنوان همیار تربیتی جهت کمک به آن‌ها در راستای تربیت فرزندان محسوب کنند. از سوی دیگر محیط تربیتی سالم و به‌دور از آفات اخلاقی در جلب اعتماد خانواده‌ها عاملی مهم است. از آن‌جا که ایشان به امور تحصیلی فرزندان خود اهمیتی بسیار قائل هستند، برگزاری کلاس‌های تقویتی، المپیاد و آمادگی برای آزمون‌های مختلف به‌عنوان عاملی مهم در جلب اعتماد خانواده‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر آن ارتباط مستقیم مسجد و مربیان تربیتی با خانواده‌ها و ارائه خدماتی همچون «برگزاری جلسات «آموزش خانواده» و «تربیت فرزند» می‌تواند در جلب اعتماد ایشان مؤثر باشد.

کادر تربیتی مساجد برای جلب اعتماد کادر مدرسه و خانواده عمدتاً اقدامات ذیل را

انجام می‌دهند:

- ارائه سوابق گذشته و برنامه‌های آینده به مدیر مدرسه و خانواده‌ها
- تبیین اهمیت حضور دانش‌آموزان در مسجد برای کادر مدرسه
- اخذ مجوز (در صورت نیاز)
- جلب اعتماد مدرسه از طریق واسطه‌ها (معلمان، مدیر قبلی، فرزند مدیر مدرسه و ...)
- حضور امام جماعت در جمع معلمان و اهدا هدیه و گل در روز معلم یا آغاز سال

تحصیلی

- دعوت معلمان یا اولیای دانش‌آموزان در اردوهای مسجد
- معرفی کادر تربیتی مسجد به مدیر و معلمان مدرسه و خانواده‌ها
- برگزاری مراسم‌هایی در مسجد با دعوت از مدیران مدارس و والدین دانش‌آموزان
- ارائه خدماتی همچون: در اختیار قرار دادن فضای فیزیکی و امکانات سخت‌افزاری مسجد جهت برگزاری مراسم‌های مدرسه (همچون فضای فیزیکی، امکانات صوتی و ...)
- مساعدت مسجد در اجرای برنامه‌های فرهنگی مدرسه

- برگزاری مسابقات ورزشی و فرهنگی (سرود، قرآن، تئاتر و ...) و توانمندسازی دانش‌آموزان برای شرکت در سطوح بالاتر مسابقات
- ارائه خدمات فرهنگی نظیر برگزاری نمایشگاه فرهنگی در مدرسه و برگزاری نماز جماعت در مدرسه

۲. جذب از مدرسه

پس از زمینه‌سازی و جلب اعتماد اولیه می‌توان فرآیند جذب را آغاز کرد. نکته کلیدی در این مرحله تمرکز بر ساحت گرایشی نوجوانان است. در این راستا باید توجه جدی به مؤلفه‌هایی نظیر جذابیت، انس‌آفرینی میان دانش‌آموزان و مربیان و اثرگذاری بر احساسات نوجوانان معطوف گردد.

پیش از حضور نوجوانان در مسجد باید ارتباطات اثربخش میان مربیان و دانش‌آموزان برقرار گردد. کادر تربیتی مسجد با حضور هدف‌مند در مدرسه برنامه‌هایی را اجرا و ارتباطاتی را شکل می‌دهند و به تبع ایجاد علقه و اشتیاق نوجوانان به بهره‌گیری از سایر برنامه‌های مسجد، دانش‌آموزان تداوم ارتباط را در محیط مسجد جستجو می‌نمایند. برخی اقدامات اولیه جهت جذب از مسجد به مدرسه عبارت است از:

- اجرای برنامه‌های فرهنگی، فوق برنامه و تفریحی در مدرسه
 - تشویق دانش‌آموزان ممتاز درسی، اخلاقی در مدرسه
 - حضور در کلاس‌های پرورشی یا فوق برنامه و پاسخ به سؤالات دینی دانش‌آموزان
 - حضور مربی‌ها در اردوهای مدارس جهت جذب دانش‌آموزان به مسجد
- پس از تعامل اولیه در مدرسه می‌توان گستره تعامل را در خارج از مدرسه توسعه داد. در این راستا اقدامات ذیل انجام می‌گیرد:
- برگزاری اردو
 - دعوت دانش‌آموزان به برنامه‌های مناسبتی مسجد همچون (هیئت محرم و رمضان)
 - برگزاری جشن تکلیف دانش‌آموزان با برنامه‌های شاد و متنوع در مسجد

- تشویق دانش‌آموزان ممتاز علمی-اخلاقی در مسجد
- حضور اولیه در مسجد به همراه برنامه‌ای خاطره‌انگیز و جذاب
- دعوت از دانش‌آموزان گزینش شده برای شرکت در برنامه‌های با نشاط مسجد

۳. تداوم ارتباط و تربیت در مسجد

پس از برقراری ارتباط و جذب اولیه، اعتماد و محبت متربی به مربی جلب می‌شود. متربی می‌کوشد تا ارتباط خویش را تداوم بخشد و از آن‌جا که پایگاه اصلی نقش‌آفرینی مربیان، مسجد است دوره جدیدی با محوریت مسجد آغاز می‌گردد. اگر هدف تعاملات در دوره قبل، ایجاد علقه میان مربی و متربی بود؛ حال که روابط متربی و مربی نسبتاً مستحکم گردیده، هدف اساسی این دوره ارتقای ابعاد وجودی متربی در ابعاد «دنیوی و اخروی» و همچنین «جسمی و روحی» است. بدین ترتیب متربی با محوریت مربی در برنامه‌هایی عمدتاً جمعی که توسط تشکیلات تربیتی طرح‌ریزی شده است به‌صورت مستمر شرکت می‌کند. علاوه بر ارتباطات جمعی، ارتباطات شخصی مربی با خانواده‌ها و مربیان در قالب رصد و پیگیری امور و تعامل با خانواده انجام می‌گیرد و متربی اصطلاحاً پای ثابت برنامه‌های تشکل خواهد شد. برنامه‌های طراحی شده به‌صورت جامع و متناسب با مختصات سنی مربیان است و در حوزه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری به‌گونه‌ای تدریجی فرد را به سوی اهداف تربیت اسلامی رهنمون می‌سازد. نقش خانواده در این مرحله جدی‌تر از مرحله قبل است؛ چرا که در این مرحله قرار است نوجوان، اوقاتی را که در مدرسه نیست به مسجد اختصاص دهد و موافقت و مخالفت خانواده اثر مستقیمی بر نحوه حضور در مسجد خواهد داشت.

۴. نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در مسجد، مدرسه و خانواده

به تبع استقرار مفاهیم دینی در وجود دانش‌آموز و استحکام شخصیت، او نسبت به محیط اطراف خویش احساس وظیفه می‌کند و رشد خود را در گرو تأثیر بر دیگران

می‌بیند. او اندک‌اندک به عنصری فعال تبدیل می‌شود که در تلاش است تا لذت زندگی دینی که خود قبلاً چشیده است را به دیگران نیز بچشاند. در این مرحله در ابتدا خواه-ناخواه خانواده فرد متوجه تغییرات رفتاری وی می‌شوند. در صورتی که این تغییرات با سبک زندگی خانوادگی نوجوان مطابق باشد موجب هم‌افزایی و تقویت رفتارها می‌گردد؛ اما در صورتی که سبک زندگی خانواده مطابق با تغییرات مثبت نوجوان نباشد منجر به تذکر، اصلاح و یا خاموشی می‌شود.

دانش‌آموز در مدرسه نیز به تدریج به عنصری فعال تبدیل می‌شود. او با راهنمایی مربیان مسجد به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد و بدین‌صورت به‌عنوان حلقه وصل مسجد و مدرسه، دانش‌آموزان مستعد مدرسه را به مسجد جذب می‌نماید.

علاوه بر مدرسه، وی در مسجد هم مسئولیت قبول می‌کند. در حوزه‌های مختلف مسئولیت‌هایی به او سپرده می‌شود و همه این فعالیت‌ها را در راستای ارتقای وجودی خود محسوب می‌نماید. البته لازمه تبدیل متربی به عنصری فعال، اولاً طرح‌ریزی برنامه‌ای توانمندساز از سوی تشکل مسجدی و ثانیاً تناسب مسئولیت با استعداد و علاقه دانش‌آموز است. استعدادسنجی و برگزاری برنامه‌های مهارتی و تشکیلاتی از اقدامات لازم در این مرحله است.

عوامل مداخله‌گر

مقوله مداخله‌گر شامل مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط است که سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کند و صبغه علی و عمومی دارد. به عبارت دیگر هر چند تأثیر این عوامل بر کنش‌ها به شدت مؤلفه‌های زمینه‌ای نیست اما بر تحقق آن‌ها اثرگذارند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: «چالش‌های عملکردی، ساختاری و نگرشی در تعامل مسجد و مدرسه و خانواده، لحاظ کردن اقتضائات در عین جامعیت برنامه‌ای و روشی، جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری همگانی»

چالش‌های عملکردی، ساختاری و نگرشی در تعامل مسجد، مدرسه و خانواده:

نگرش کنشگران تربیتی در سه نهاد مدرسه، مسجد و خانواده اثر بسیاری بر کند شدن یا تسریع نیل به اهداف و تحقق همکاری مسجد، مدرسه و خانواده خواهد گذاشت.

برخی نگرش‌هایی که به این تعامل آسیب می‌زنند عبارتند از:

- بی‌رغبتی مسئولان مدرسه و والدین نسبت به تعامل با مسجد
- تلقی فوق برنامه بودن مسجد
- جدایی اهداف و ماهیت مدرسه و مسجد و خانواده
- عدم آشنایی فعالان فرهنگی با قوانین و اقتضائات مدرسه
- عدم درک عمیق کار تربیتی و فرهنگی توسط کادر مدارس و آموزش و پرورش
- کم‌اولویت پنداشتن تعامل با مدرسه و خانواده از سوی فعالان مسجدی
- نگرش منفی برخی نسبت به روحانی و انسان‌های مسجدی

اگر فعالان مسجدی بخواهند میان مسجد، مدرسه و خانواده پیوند برقرار کنند پیش از هر چیز باید شرایط مسجد را برای این مهم فراهم سازند. اصلاح مواردی همچون: اختلافات میان تشکل مسجدی و کارگزاران، این تلقی در میان نمازگزاران که مسجد صرفاً جای نماز و مکان سالخوردگان است، نماز و تعقیبات طولانی و ...

پس از آمادگی و تأمین لوازم تعامل از سوی مسجد، مدرسه در تعامل با مسجد با اشکالات ساختاری و عملکردی مواجه است. محدودیت در برنامه درسی، محدودیت در انتخاب معلمان و کلاس‌های فوق برنامه، مشکلات اخذ مجوز در برگزاری برنامه‌های فوق برنامه، مقررات محدودکننده، عدم ثبات مدیران و عدم اهتمام و مانع‌تراشی مسئولان و کادر آموزش و پرورش در تعامل مسجد و مدرسه از مهم‌ترین موانع است.

لحاظ کردن اقتضائات در عین جامعیت برنامه‌ای و روشی: علاوه بر رعایت

تناسب کلی برنامه‌ها با اقتضائات نوجوان، به تبع تفاوت‌های فردی افراد، لازم است متناسب با هر شخصیت حدی از برنامه و روش تربیتی جداگانه طراحی کرد. بدیهی

است برنامه‌های متناسب با دختران و پسران در سنین مختلف و با استعدادهای گوناگون باید به صورتی اقتضایی طرح‌ریزی شود. نکته دیگر رعایت تفاوت‌ها در فرهنگ‌ها و محل سکونت مخاطبان است. باید تفاوت‌های جامعه هدف بالاشهرنشین، سنتی، شهری یا روستایی، قومیتی و ... را در طراحی برنامه‌های فرهنگی - تربیتی لحاظ کرد. استفاده از روش‌ها و زمینه‌های متعدد ارتباطی نیز تحقق اهداف و انجام کنش‌ها را تسهیل می‌نماید. قالب‌های متعددی همچون هیئت، اردو، ورزش، فعالیت‌های نظامی، ورزش‌های رزمی، کلاس‌های تقویتی از جمله بسترهای ارتباطی است. علاوه بر آن وقتی خانواده‌ها با مسجدی مواجه شوند که علاوه بر برنامه‌های مذهبی و تفریحی، برای ارتقاء سایر ابعاد وجودی نوجوانان (همچون تحصیل، مهارت، ورزش و ...) برنامه‌هایی تدارک دیده‌اند با رغبت بیشتری فرزندان خویش را ترغیب به حضور در مسجد می‌نمایند.

جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری همگانی: در صورت جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری همگانی، تعامل مسجد، مدرسه و خانواده تسهیل می‌گردد. در این راستا اولاً لازم است اعتماد افراد و نهادهای اثرگذار را جلب کرد. ذهنیت مثبت نسبت به فعالیت‌های مسجدی و خوش‌نامی و حسن سابقه مسجد در فعالیت‌های فرهنگی از عوامل اعتمادساز است. در گام بعد مشارکت نهادهای مدرسه و خانواده اثر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت. هر چه این مشارکت بیشتر باشد سرعت تحقق اهداف و پیوند این سه نهاد تسریع می‌گردد. وقتی گفتمان مسئولیت‌پذیری و لزوم مشارکت در ارتباط مسجد، مدرسه و خانواده جا بیفتد هم مربیان مسجد جهت رفع خلأهای مدرسه و محله اقدام می‌کنند و هم کادر مدرسه در فعالیت‌های تربیتی مسجدی مشارکت می‌نمایند. علاوه بر آن، خانواده‌ها خود حمایت‌های مادی و معنوی خود را مبذول می‌نمایند و می‌توان بخشی از وظایف را به خود متریان محول کرد.

نتایج و پیامدها

در اثر اتخاذ کنش‌ها و تعاملات در تحقق همکاری مسجد، مدرسه و خانواده نتایجی حاصل می‌شود که عبارت است از: «احیای کارکرد تربیتی، ارتقای جایگاه و کارآمدی مسجد در جامعه، بهبود وضعیت مدرسه در تحقق رسالت خویش، ارتقای اخلاق و استحکام در خانواده». تفصیل موارد گفته شده به شرح زیر است.

احیای کارکرد تربیتی، ارتقای جایگاه و کارآمدی مسجد در جامعه: مسجد در عصر کنونی با عقب‌گرد جدی مواجه شده است؛ به گونه‌ای که کارکردهای آن که همان محوریت بر امور تربیتی، علمی، اجتماعی و عبادی است، محدود شده است. به نظر می‌رسد راهبردی‌ترین و با اولویت‌ترین اقدام راهبردی جهت احیای جایگاه مسجد در جامعه، احیای کارکرد تربیتی مساجد است؛ چرا که اولاً این کارکرد هنوز در مساجد در قالب تشکل‌های مسجدی در جریان است و ثانیاً لازمه احیای سایر کارکردهای مسجد، وجود کادر منسجم و تربیت‌یافته مسجدی است. در صورت پیوند مسجد، مدرسه و خانواده، این مهم محقق می‌گردد. این پیوند نقش‌آفرینی جدی‌تر مسجد در تربیت کودک و نوجوان و جوان و اعتماد مسئولان آموزش و پرورش و خانواده‌ها را نسبت به ظرفیت بالای مسجد به دنبال خواهد داشت. جلب مشارکت و اشتیاق به تعامل با مسجد از سوی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدارس نتیجه‌ای است که در صورت موفقیت در تعامل اولیه مسجد، مدرسه و خانواده حاصل می‌گردد به گونه‌ای که اصرار خانواده‌ها نسبت به پذیرش فرزندشان در طرح‌های تربیتی مسجد با وجود تکمیل ظرفیت و استقبال مدیران از نقش‌آفرینی مساجد در مباحث فرهنگی مدرسه، به کرات در مساجد مورد بررسی دیده شده است.

از سوی دیگر تعامل با مدرسه و خانواده‌ها موجبات ارتقای جایگاه، افزایش پویایی و توسعه تدریجی سایر کارکردهای مسجد را به دنبال خواهد داشت. نشاط کارکردی در فضای عمومی مسجد و تربیت کادر فعال از دانش‌آموزان باعث می‌شود تا سایر

کارکردهای مسجد نیز فعال گردد؛ چرا که لازمه فعال شدن سایر کارکردها، وجود کادر تربیت یافته و دغدغه مند در حوزه رفع خلأهای اجتماعی با محوریت مسجد است. این تعامل، به اصلاح نگرش همگان نسبت به مسجد کمک می کند، چرا که در صورت نقش آفرینی تربیتی، مردم مسجد را نهادی اثرگذار می یابند. افراد درک می کنند که مسجد منحصر در عبادت سالخوردگان نیست، بلکه به مکانی برای حضور همه اقشار و سلیقه ها تبدیل شده است.

بهبود وضعیت مدرسه در تحقق رسالت خویش: تعلیم و تربیت جامع بیش از ده میلیون دانش آموز امری است مشکل؛ که در راستای آن لازم است از ظرفیت های نهادهای رسمی (همچون آموزش و پرورش) و غیررسمی (همچون مسجد) استفاده شود. امروزه، عملاً آموزش و پرورش نهاد انحصاری در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوان شده است. این انحصار با وجود ضعف کمی و کیفی منابع (انسانی، مالی و سخت افزاری) آموزش و پرورش باعث شده است تا این نهاد در تحقق اهداف با مشکلاتی مواجه شود؛ به گونه ای که خروجی کنونی آموزش و پرورش با وضع مطلوب فاصله ای بسیار دارد. در صورت نقش آفرینی تربیتی مسجد به صورت جامع در تعامل با مدرسه، وضعیت مدرسه در تحقق رسالت خویش بهبود می یابد. اولاً وضع فرهنگی مدرسه ارتقا می یابد و خلأهای تربیتی مدرسه تا حد بسیاری رفع می شود. ثانیاً وضعیت علمی مدرسه ارتقا می یابد. چرا که به تبع مساعدت فعالان فرهنگی می توانند در امور تقویت تحصیلی، نظارت و در اتصال انگیزه های تحصیلی به انگیزه های الهی نقش جدی ایفا نمایند.

ارتقای اخلاق و استحکام در خانواده: مسجد و خانواده هر یک به نوبه خود در حوزه تربیت، مسئولیت جداگانه دارند. نقش آفرینی مسجد در تربیت در بستر پیوند مسجد، مدرسه و خانواده موجب رفع ضعف ها و تقویت هر یک از نهادها توسط دیگری می شود به گونه ای که مکرر دیده شده است دانش آموزان، آموزه های دینی و

اخلاقی (همچون نماز، خمس و ...) را به والدین خویش انتقال دادند و زمینه‌ساز سبک زندگی دینی و ارتقای فرهنگی و اخلاقی خانواده‌های خویش شده‌اند. بدین‌وسیله دغدغه والدین در حوزه آسیب‌های اخلاقی فرزندان کاهش می‌یابد. علاوه بر آن، فرد با تربیت مسجدی نسبت به پدر و مادر خود قدردان‌تر، مؤدب‌تر و ولایت‌پذیرتر (در حوزه‌ای غیر از محرمات و واجبات) می‌شود که این موضوع زمینه‌ساز همبستگی و استحکام بیشتر خانواده است. در این میان برخی مساجد اساساً تربیت را بر مدار خانواده می‌دانند و مدل تربیتی ایشان خانواده‌محور است؛ به‌گونه‌ای که والدین را نیز همراه فرزندان وارد فرآیند تربیتی می‌کنند و علاوه بر تأثیرگذاری فرهنگی، از مشارکت تشکیلاتی ایشان نیز بهره می‌برند.

نتیجه‌گیری و شرح الگوی نظام‌مند

تعلیم و تربیت، یکی از مسائل مهم جوامع بشری است تا آن‌جا که می‌توان گفت رابطه مستقیمی میان پیشرفت جوامع و سطح فرهنگ و تربیت نسل وجود دارد. جهت تحقق این مهم، لازم است نهادهای تربیتی با یکدیگر همکاری داشته باشند. این پژوهش با هدف تبیین الگوی فرآیندی همکاری بین‌سازمانی در بخش سوم انجام گرفته است و به دلیل اقتضائات بومی ایران پدیده «همکاری مسجد، مدرسه و خانواده» در راستای تعامل و هم‌افزایی نهادهای اصلی تربیتی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور از شیوه نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بهره گرفته شده که دارای مزایایی در تحقیقات اکتشافی است و حاصل آن، در شکل شماره ۳ نمایش داده شده است. در تحلیل داده‌های این الگو که با موردکاوی مساجد برتر کشور در حوزه تعامل با خانواده و مدرسه به دست آمده است، پس از احصای مؤلفه‌های ۲۴ گانه، الگوی جامع و منطبق با نیازهای بومی را پدیدار شده است. سازمان‌های متولی فرهنگ، مساجد و مدارس می‌توانند از نتایج این پژوهش در برنامه‌ریزی‌های خویش بهره‌برند. مؤلفه‌های اساسی مدل نهایی

عبارت است از: «مقوله محوری (همکاری مسجد، مدرسه و خانواده)، شرایط علی، بستر حاکم، عوامل مداخله‌گر، کنش‌ها و تعاملات، پیامد».

پدیده محوری عنصر کلیدی است که در پژوهش به دنبال تحلیل آن هستیم. در این پژوهش مقوله محوری: «همکاری مسجد با مدرسه و خانواده» است. این پدیده دارای ماهیت و ارکانی است که شناخت آن، لازمه هر اقدام در مساجد (سطح خرد) و خط‌مشی گذاری توسط نخبگان فرهنگی و در سازمان‌های متولی (در سطح کلان منطقه، شهر، کشور) است که در بخش تحلیل داده‌ها به آن اشاره شده است. داده‌های این مؤلفه با پژوهش (تنها، ۱۳۹۴)، (رحمت آبادی، ۱۳۸۴)، (اسلام پور کریمی، ۱۳۹۳) و (رضایی بیرجندی، ۱۳۸۳) سازگار است. ویژگی‌های بیان شده:

شرایط علی عواملی هستند که ضرورت تحقق پدیده محوری را نشان می‌دهند. این عوامل عبارت‌اند از: «ضعف‌های آموزش و پرورش در تحقق اهداف، جایگاه اصیل و ظرفیت‌های مساجد در راستای تحقق تربیت اسلامی، وجود ظرفیت‌های گسترده تربیتی و تبلیغی در مدارس». مقوله‌های کلی این بخش با پژوهش‌های «تنها، (اسلام پور کریمی، ۱۳۹۳)، رضایی بیرجندی، ۱۳۸۳»، (عریان، ۱۳۸۳) نیز سازگار می‌باشد.

تعامل مسجد، مدرسه و خانواده را می‌توان با مجموعه‌ای **کنش‌ها، راهبردها و اقدامات** محقق کرد. این راهبردها عبارت است از: «۱- زمینه‌سازی و اعتمادسازی، ۲- جذب از مدرسه به مسجد، ۳- تداوم ارتباط و تربیت در مسجد، ۴- نقش‌آفرینی دانش-آموزان در مسجد و مدرسه». راهبردهایی که در یافته‌های تحقیق به آن‌ها اشاره شده، به صورت نظام‌مند و فرآیندی بروز یافته‌اند. هر چند برخی از کدها و مفاهیم این راهبردها در برخی پژوهش‌ها ذکر شده است، اما الگوی جامع و فرآیندی راهبردها در هیچ‌یک از آثار موجود، سابقه قبلی نداشته است و این امر از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

مؤلفه‌های **بستر حاکم** عواملی است که بر کنش‌ها و تعاملات اثر مستقیم می‌گذارد. در این پژوهش بایسته‌های تشکیلاتی، برنامه‌ای و انسانی، بستر حاکم مدل محسوب

می‌گردد. لازم است شکل مسجدی که کنش‌گر اصلی این همکاری محسوب می‌گردد از کادری (سرمایه‌های انسانی تشکل) که از جنبه‌های فکری، گرایشی و رفتاری دارای ویژگی‌های مقتضی هستند، استفاده کنند و نسبت به رشد مستمر ایشان اهتمام نمایند. علاوه بر آن، ویژگی‌های ساختاری تشکیلات محوری در تحقق پدیده مورد نظر اثر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد. بهره بردن از نقش‌آفرینی حوزه علمیه و روحانیت در فعالیت‌های تربیتی، استقرار الگوی مربی-متربی با محوریت مربیان، ایجاد ساختار پایا و خود ترمیم (به‌گونه‌ای که با رفتن برخی افراد، به تشکل فرهنگی آسیبی وارد نشود)، طراحی سازوکارهایی مبنی بر همگرایی و تسهیل مشارکت ذی‌نفعان (همچون ارکان مسجد، خانواده‌ها و مدرسه) و توجه به ملاحظات حقوقی در تعامل مسجد، مدرسه و خانواده از ملاحظات مهم ساختاری است که اثر مستقیمی بر اجرای کنش‌ها می‌گذارد. علاوه بر بایسته‌هایی که در زمینه نیروی انسانی و ساختار تشکیلاتی مطرح است، در برنامه‌های مسجد در تعامل با مدرسه و خانواده باید ملاحظات رعایت شود. تناسب برنامه‌ها با اقتضات نوجوانان، وجود طرح جامع تربیتی و توجه به سه مؤلفه تحصیل، تهذیب و ورزش از ملاحظات مهم در بایسته‌های برنامه‌ای است. یافته‌های بایسته‌های برنامه‌ای در تعامل مسجد و مدرسه با پژوهش (شریفی‌نیا ۱۳۹۳) سازگار است؛ علاوه بر آن، کلیت این موضوع که همکاری اضلاع تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده) نتیجه‌ای است که برای تحقق آن باید مقدماتی حاصل شود نیز با پژوهش رازینی و همکاران (در حال انتشار) سازگار است.

به تبع کنش‌ها و راهبردهایی که با ملاحظه زمینه‌ها و شرایط مداخله انجام گرفته است، **نتایج** «همکاری ارکان تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده)» به صورت تدریجی و مرحله به مرحله محقق می‌گردد. با توجه به این که احیای کارکرد تربیتی، با اولویت‌ترین راهبرد و لازمه احیای سایر کارکردهای مسجد در راستای نیل به تمدن اسلامی است می‌توان گفت: مهم‌ترین نتیجه آن ارتقای سطح تربیتی کودکان و نوجوانان

است. در این راستا اولاً کارکرد تربیتی مسجد پیشرفت خواهد کرد و ثانیاً وضعیت مدرسه جهت تحقق رسالت خویش ارتقا خواهد یافت؛ علاوه بر آن کارآمدی مسجد در جامعه ارتقا می‌یابد. بدین ترتیب زمینه برای احیای تدریجی سایر کارکردهای مسجد فراهم می‌آید، نهادهای وابسته یا متأثر از مسجد تأسیس می‌شود و زمینه برای نیل به مسجد طراز فراهم می‌گردد.

الگوی استخراج شده را می‌توان به سایر همکاری‌های بین بخشی (با محوریت بخش غیرانتفاعی همچون مسجد) تعمیم داد. به‌عنوان مثال ویژگی‌های بیان شده برای ماهیت «پیوند مسجد، مدرسه و خانواده» ماهیت ارتباطات بین‌بخشی را نشان می‌دهد که عبارت است از:

۱. دارای ماهیت ارگانیک و پویا و به دور از بروکراسی
 ۲. مبتنی بر اعتماد فی‌ما بین
 ۳. مبتنی بر ظرفیت‌های فیما بین
 ۴. تقویت‌کننده همکاری‌های اجتماعی،
 ۵. زمینه‌ساز رفع خلاءهای فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی
 ۶. زمینه‌ساز وحدت فعالیت‌های دولتی و مردم‌نهاد
 ۷. هم‌افزایی و افزایش بهره‌وری
 ۸. همراهی برکت الهی در این مسیر
- علاوه بر آن، عمدتاً ارتباطات بین‌بخشی در پاسخ به نیازی اجتماعی به‌وجود می‌آید (شرایط علی). در راستای تحقق آن لازم است کنش‌هایی به صورت مرحله به مرحله صورت پذیرد که عمدتاً با زمینه‌سازی و اعتمادسازی شروع می‌گردد. در این ارتباطات همواره عواملی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر آن اثر می‌گذارند که در آن رعایت کردن اقتضائات، جلب مشارکت و لحاظ نمودن ملاحظات نگرشی و ساختاری بسیار

مهم است. در پایان نیز این ارتباطات منجر به ارتقای کارکرد نهادهای تعامل‌کننده می‌گردد.

پیشنهادات اجرایی

- اهتمام بیش از پیش فعالان فرهنگی، سازمان‌های متولی فرهنگ نسبت به تعامل مسجد، مدرسه و خانواده
- لحاظ مؤلفه تعامل با مدرسه و مسجد در ارزیابی مسئولان ذی‌ربط از جمله مدیران مدارس، ائمه جماعت، پایگاه‌های مقاومت بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، حوزه‌های علمیه و ...
- توجه فعالان فرهنگی مساجد به بایسته‌های تشکیلاتی، برنامه‌ای و نیروی انسانی؛ پیش از شروع تعامل با مدارس و خانواده‌ها
- طراحی الگویی فرآیندی توسط فعالان فرهنگی مساجد در تعامل با مدرسه با استفاده از مقوله کنش‌ها و راهبردها در تحقیق پیش‌رو
- رعایت عوامل مداخله‌گر (در تحقیق پیش‌رو) به‌عنوان ملاحظات تسهیل‌کننده تعامل مسجد، مدرسه و خانواده
- الگوسازی و تجلیل از مصادیق تعامل بهینه مسجد و مدرسه جهت حضور جمعی کودکان و نوجوان در مسجد
- زمینه‌سازی جهت نقش‌آفرینی معلمان دین و زندگی در مساجد با همکاری وزارت آموزش و پرورش
- فرهنگ‌سازی نقش‌آفرینی هر چه بیشتر طلاب حوزه علمیه در تعامل مسجد، مدرسه و خانواده
- برقراری ارتباط بین مدارس و تشکل‌های فرهنگی مساجد به‌منظور اجرایی مراسم جشن تکلیف در مسجد، نماز جماعت، کلاس‌های تقویتی، مسابقات فرهنگی، غنی‌سازی اوقات فراغت و ...

حمایت سازمان‌های متولی و نخبگان فرهنگی از تأسیس مدارس با مدیریت مساجد موفق و صاحب تجربه در زمینه‌های آموزشی و تعامل با مدارس و خانواده‌ها.

کتابنامه

۱. اوتارخانی، علی (۱۳۸۲). همکاری مجازی: مبتنی بر فناوری ارتباطات و اطلاعات، مجله چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۸ و ۷، ۱۱۳-۱۳۲
۲. اسلام‌پور کریمی، عسکری (۱۳۹۳). بررسی تاریخی و فقهی حضور زنان در مسجد.. در فروغ مسجد، جلد هشتم، ۳۱۱-۳۷۲، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۳. آقا محمدی، جواد (۱۳۹۳). تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه: با تأکید بر نقش محوری مسجد.. در فروغ مسجد، جلد نهم، ۳۲۵-۳۵۹، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۴. پهلوان شریف فرد، علیرضا؛ رازینی، روح‌الله و عباسی، حسین، (در حال انتشار)، ساختاردهی اهداف کلان تعامل مسجد و کودک و نوجوان با رویکرد ساختاری-تفسیری (ISM) و ارائه دلالت‌هایی برای خط‌مشی‌گذاران حوزه فرهنگ، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج.
۵. حسینی مجرد، اکرم (۱۳۹۳). بررسی تحلیلی نظام تربیتی مسجد محور.. در فروغ مسجد، جلد نهم، ۹-۴۳، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۶. خسروی، حسین (۱۳۸۵). پدیدارشناسی مسجد در شهر اسلامی، در فروغ مسجد، جلد چهارم، ۳۸۵-۳۹۶، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
۷. رازینی، روح‌الله؛ پهلوان شریف فرد، علیرضا و عباسی، حسین، (در حال انتشار)، بررسی سند راهبردی تعامل مسجد و کودک و نوجوان با رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد و ارائه توصیه‌های سیاستی برای نهادهای سیاست‌گذار، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی.

۸. رحمت‌آبادی، اعظم. (۱۳۸۴). نقش تاریخی مسجد در تولید و پیشرفت علم و مقایسه آن با وضع کنونی.. در فروغ مسجد، جلد سوم، ۲۳۷-۲۵۱، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران).
۹. رضایی بیرجندی، علی (۱۳۸۴). نظام آموزشی مساجد.. در فروغ مسجد، جلد دوم، ۳۵۹-۳۷۰، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران).
۱۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، تهران: نگاه.
۱۱. شریفی‌نیا، محمد حسین (۱۳۹۳). بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده. در فروغ مسجد، جلد هشتم، ۱۳۹-، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۲. شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۹۳). الزامات نرم/فزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد.. در فروغ مسجد، جلد نهم، ۲۳۹-۲۸۳، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۳. شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۹۳). بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده.. در فروغ مسجد، جلد هشتم، ۱۳۹-۱۸۱، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۴. صداقت زادگان، شهناز (۱۳۹۴). «مطالعه راهبردی ارتباط همکاری بین سازمانی با فعالیت‌های خدماتی و صنعتی». فصلنامه راهبرد، (۷۵)، ۲۴، ۱۰۹-۱۳۷.
۱۵. عریان، مرضیه (۱۳۸۳). مسجد جایگاه اصلی آموزش اسلامی.. در فروغ مسجد، جلد دوم، ۱۹۹-۲۰۷، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین (مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران).
۱۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۶۴). ضرورت و اهمیت توجه به مدیریت آموزشی، فصلنامه علمی پژوهشی تعلیم و تربیت، ۴، ۴-۱۵.
۱۷. علی صوفی، علی‌رضا و دشتکی‌نیا، فرهاد (۱۳۹۲). مسجد و نظام آموزشی سنتی و جدید در دوره قاجار. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخ اسلام، ۵، ۶۹-۹۱.

۱۸. غلام قوام آبادی، محمد؛ مرتضوی نژاد، سید مهدی؛ نوروزی، سمیه؛ جوادی، مجتبی؛ نانی، سعید و عبدالحسین زاده، محمد (۱۳۹۴). تدوین مدل نظام‌مند مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران براساس بیانات مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج، (۱) ۱۸، ۵-۳۷.
۱۹. غلامی، رمضان و باقری، زهرا (۱۳۹۱) «ارائه الگویی یکپارچه از اصول بنیادین همکاری بین سازمانی به‌عنوان گامی در جهت تحقق اتحاد ملی (با رویکرد مدیریتی)».
۲۰. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۷۹). *درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران*. کتابداری آرشیو و نسخه‌پژوهی، ۱۶، ۳۷-۵۵.
۲۱. فرهنگ مسجد (۱۳۸۵). مشتمل بر مهم‌ترین مصطلحات و کلیدواژه‌ها در باب مسجد، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین
۲۲. مجله فرهنگ و تمدن. (۱۳۸۶). شماره ۴۷
۲۳. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی*، اصفهان: انتشارات مانی.
۲۴. هوشیاری، محمدمهدی؛ پورنادری، حسین و فرشته نژاد سیدمرتضی (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مسجد-مدرسه در معماری اسلامی ایران، بررسی چگونگی ارتباط میان فضای آموزشی و نیایشی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات معماری ایران. ۲، ۳۷-۵۴
۲۵. ولی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده (همراه با آسیب‌شناسی وضع موجود). در *فروع مسجد*، جلد هشتم، ۹-۷۹، قم: انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش مرکز رسیدگی به امور مساجد.

پایان‌نامه

۱. . تنها، محمد صادق. (۱۳۹۴). *فهم الگوی همکاری بین سازمانی مسجد و مدرسه*، تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد مدیریت (گرایش بازرگانی) به راهنمایی دکتر میثم لطیفی، دانشگاه امام صادق (ع) تهران.

۲. زبردست، هادی. (۱۳۸۳). *ارایه مدل ارزیابی عملکرد مشارکت‌های راهبردی (بر مبنای مدل Das-Teng)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت صنعتی.
۳. فرخی، میثم، الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران، تهران، رساله دوره دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
۴. امامی، سید مجتبی، (۱۳۸۵). *کشف پرسش‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی تئوری‌های تغییر سازمان (با استفاده از روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع) تهران.

اسناد ملی و طرح‌های سازمانی

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). *سند نقشه جامع علمی کشور*.
۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*.
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
۲. مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۹۵، *قانون برنامه ششم توسعه*.
۳. مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، (۱۳۹۴). *سند تعامل مسجد و بانوان*. مجری: لطیفی، میثم؛ مدیر محتوایی: رحمتی نسب، امید. (در حال انتشار).
۴. مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، (۱۳۹۴). *سند تعامل مسجد و کودکان و جوانان*. مجری: لطیفی، میثم؛ مدیر محتوایی: پهلوان شریف، علیرضا.
۵. مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، (۱۳۹۶). *بررسی نقش‌آفرینی مسجد در منظومه تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی در ج.ا.ا (مورد کاوی مساجد موفق در عرصه تعامل با مدرسه)* مجری پروژه: علیرضا پهلوان شریف (در حال انتشار).

منابع اینترنتی

۱. تفاهم‌نامه ارتقای سطح همکاری‌ها بین مرکز رسیدگی به امور مساجد و قرارگاه ثارالله. (۱۳۹۱). برگرفته از masjed.ir

۲. جزئیاتی از طرح تربیتی شهید بهنام محمدی. (۱۳۹۶). برگرفته از: tasnimnews.com
۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز. برگرفته از farsi.khamenei.ir
۴. مروری بر وضعیت مساجد در ایران. (۱۳۹۶، مرداد). برگرفته از mehrnews.com
۵. نگاهی به آموزش در مساجد. (۱۳۹۶، آبان). برگرفته از www.tebyan-ardebil.ir

منابع لاتین

1. Bryson, J. M., Crosby, B. C., & Stone, M. M. (2006). The design and implementation of Cross- Sector collaborations: Propositions from the literature. *Public administration review*, 66, 44-55.
2. Bryson, J. M., Crosby, B. C., & Stone, M. M. (2006). The design and implementation of Cross- Sector collaborations: Propositions from the literature. *Public administration review*, 66, 44-55.
3. Coston, J. M. (1998). A model and typology of government-NGO relationships. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 27(3), 358-382.>
4. Creswell, J. W. (2005). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd ed.). Upper Saddle River, N.J: Merrill.
5. Doz, Y. L. and hamel, G (1998). "Alliance advantage", Harvard Business School Press, Boston.
6. May Seitanidi, M. (2007). Intangible economy: How can investors deliver change in businesses? Lessons from nonprofit-business partnerships. *Management Decision*, 45(5), 853-865.
7. Mowlana, Hamid. (1996). *Global Communication in Transition: The End of Diversity*, Thousand Oaks: Sage Publication.
8. Murphy, M., Arenas, D., & Batista, J. M. (2015). Value creation in cross-sector collaborations: The roles of experience and alignment. *Journal of Business Ethics*, 130(1), 145-162.
9. Murphy, M., Perrot, F., & Rivera-Santos, M. (2012). New perspectives on learning and innovation in cross-sector collaborations. *Journal of Business Research*, 65(12), 1700-1709.

10. Selsky, J. W., & Parker, B. (2005). Cross-sector partnerships to address social issues: Challenges to theory and practice. *Journal of management*, 31(6), 849-873.

Strauss, et.al, 1990, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.

